



# انترناسیونال ۳۸۶

اساس سوسیالیسم

انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۱۵ بهمن ۱۳۸۹، ۴ فوریه ۲۰۱۱

www.m-hekmat.com

سردبیر: کاظم نیکخواه      anternasional@yahoo.com      Fax: 001-519 461 3416      جمعه ها منتشر میشود

## زنده باد انقلاب در مصر

مبارک را سرنگون کنند. مردم انقلابی نیروهای خط مقدم سرکوب یعنی پلیس را عقب رانده و اکنون ارتش و گارد ریاست جمهوری به

صفحه ۱۱

لحظه دفتر مرکزی حزب حاکم و تعدادی از پاسگاههای پلیس سرکوبگر را به آتش کشیده و در برخی مناطق نیروهای مسلح را خلع سلاح کرده اند و مصمم اند دولت

عمدتا مردان و زنان جوان، مقررات حکومت نظامی را که در سطح کشور اعلام شده زیر پا گذاشته و به ساختمان های دولتی حمله کرده اند. تا این

وقایع امروز جمعه با قطعیت نشان داد که ما با یک انقلاب عظیم و میلیونی مردم در مصر روبرو هستیم. در همین لحظه مردم انقلابی مصر،



## انقلاب در مصر، اعدام در ایران

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

درمورد خطر اعدام گسترده تر

زندانیان سیاسی

خبرها و گزارشات از جمله خبری که به کمیته بین المللی علیه اعدام رسیده است، حاکی از این است که رژیم اسلامی در تدارک گسترش اعدام زندانیان سیاسی است. جمهوری اسلامی که درگیر بحران درونی و فلج اقتصادی است و در محاصره خشم و نفرت مردم ایران قرار دارد، در يك ماه گذشته بطور دیوانه وار ماشین قتل دولتی را بکار گرفته تا مگر بر عمر ننگین خود بیفزاید. اکنون با وقوع انقلاب در مصر و تونس و توجه وسیع مردم ایران به این تحولات، جمهوری اسلامی بیش از پیش به وحشت افتاده و میکوشد با آدمکشی و اعدام زندانیان سیاسی به خیال مریض خود به "حمله بازدارنده" علیه جامعه دست زند. بردن دهها زندانی سیاسی در قرنطینه و قطع ملاقات ها، اعدام زهرا بهرامی و تعداد دیگری از زندانیان سیاسی در هفته های اخیر و همینطور اظهارات اخیر اژه ای، همه شواهد هشدار دهنده از قصد حکومت مستاصل اسلامی برای کشتار بیشتر است. اما این واپسین تقلاهای جمهوری اسلامی برای بقاء نیز باید با اعتراض گسترده و نفرت عمومی روبرو گردد و گور این شقی ترین جنایتکاران زمان ما را عمیقتر نماید.

## چپ، و زنجیره انقلابها در کشورهای عربی

گفتگو با حمید تقوایی در مورد تحولات تونس و مصر

است. در مورد اهمیت، زمینه ها و تاثیرات این تحولات در وجه مختلف آن با حمید تقوایی گفتگو میکنیم.

صفحه ۲

انداخته و از سوی دیگر به منبع امید و الهام برای میلیونها مردم خواهان آزادی و رهائی از چنگال سرکوب و فقر و بیحقوقی در این کشورها بدل شده

وضعیت سیاسی این منطقه و کل دنیا خواهد داشت. این اتفاقات تا همینجا از یکسو حکومتهای ارتجاعی در منطقه را به وحشت

زنجیره خیزشهای توده ای که در کشورهای عربی در شمال افریقا و خاورمیانه شکل گرفته است تاثیرات تعیین کننده ای در

## جنبش سراسری برای افزایش چندین برابر دستمزدها حیاتی است

شهبلا دانشفر، صفحه ۸

وعده تشکیل شورای اسلامی در ایران خودرو انزجار آور است

صفحه ۱۲

## بازتاب هفته

میلیاردهای گم شده در جمهوری اسلامی

استیضاح وزیر راه، چشم زخم مجلس اسلامی به دولت

کلیسا گریزی در بلژیک و پدوفیلی مردان خدا

بهرورز مهرآبادی

جمهوری اسلامی و انقلابات مصر و تونس!

محمد شکوهی

انقلاب در سنگر مصر

یاشار سهندی

صفحات ۵-۴

## صفحات دیگر

۲۹ ژانویه روز بزرگی علیه اعدام در ایران و در دفاع از

زندانیان سیاسی      صفحه ۹

پیام مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

در مورد ۲۹ ژانویه      صفحه ۷

هشدار اوضاع در ایران اضطراری است

به همه مردم آزادیخواه! به همه سازمانها و نهادهای علیه

اعدام! ، مینا احدی، صفحه ۷

نامه مینا احدی به ...      صفحه ۶

افزایش فشار بر منصور اسانلو و سایر زندانیان سیاسی

صفحه ۸

کارگران بازداشتی ایران خودرو آزاد باید گردند

صفحه ۴

انقلابات در منطقه و وحشت حاکمین مذهبی ایران

هادی وقفی، صفحه ۱۰

ما همه مردم ایران و جهان، همه نیروهای مترقی و مخالف اعدام و همه نیروهای مخالف جمهوری اسلامی را فرامیخوانیم تا با تمام قوا علیه اعدام ها و برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران به میدان بیایند. این یک وضعیت اضطراری است و باید سریعاً و با تمام قوا اطلاع رسانی و بسیج کرد و دست به عمل زد.

مردم ایران را فرامیخوانیم تا وسیعاً به کمک خانواده های زندانیان سیاسی بشتابند، در اجتماعات آنها در برابر زندانها و دادگاه ها شرکت کنند. به هر ترتیب ممکن از شعارتونسی بر دیوارها تا فریادهای شبانه علیه اعدام تا برپایی اجتماعات در محلات و صفحه ۶

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## چپ، و زنجیره انقلابها ...

از صفحه ۱



حمید تقوایی

انترناسیونال: حمید تقوایی حزب در اطلاعیه هائی تحولات در مصر و تونس را انقلاب نامیده است. قبل از هر چیز سوال ما اینست که چرا این خیزشها را باید انقلاب نامید؟ چه خصوصیت و ویژگی در این تحولات هست که باعث میشود آنها را انقلاب بنامیم؟

حمید تقوایی: به نظر من انقلاب يك تحول عینی است و نه يك مفهوم یا مقوله ذهنی و ایدئولوژیک. انقلاب یعنی به حرکت در آمدن توده مردم در يك جامعه برای بریز کشیدن حکومت موجود. انقلاب یعنی وقتی مردم تحت فشار فقر و بیحقوقی و انواع تبعیضات دیگر نتوانند این شرایط را تحمل کنند و با خواست محوری سرنگونی حکومت بخوابانها بریزند. و این تحولی است است که در تونس و در مصر در جریان است در بسیاری از دیگر کشورهای عربی هم در حال شکل گیری است. تحولات ایران در سال ۸۸ هم دقیقاً به همین دلیل يك انقلاب بود که متأسفانه به پیروزی نرسید. به این معنی انقلاب يك پدیده عینی است که اساساً مستقل از اراده احزاب و نیروهای سیاسی شکل میگیرد و تقریباً همیشه همه را "غافلگیر" میکند. البته چگونگی پیشروی انقلاب و پیروزی یا شکست آن تماماً در گرو عملکرد نیروهای سیاسی، در حکومت و در اپوزیسیون، و در سطح آن جامعه معین و در سطح بین المللی، است.

انترناسیونال: بنظر شما علت و ریشه این انقلابها در چیست؟ چرا در کشورهای عربی رخ میدهد؟ چه وجه مشترکی در این کشورها باعث شده است که همزمان دستخوش تحولات انقلابی بشوند؟

حمید تقوایی: به نظر من این انقلابها در تحلیل نهائی و پایه ای ترین سطح در بحران جهانی سرمایه و ناتوانیش در پاسخگویی به ابتدائی ترین نیازهای اکثریت عظیم مردم ریشه دارد. در مصر چهل درصد مردم درآمدی کمتر از روزی دو دلار دارند. و پیش بینی میشود که تا سال ۲۰۲۰ جمعیت بیکاران و قربانیان فلاکت و گرسنگی در کشورهای عربی به بیش از صد میلیون نفر برسد. فقر، بیکاری، گرانی و گرسنگی و حکومتهای دیکتاتوری

میکردند. و بعد از فروپاشی بلوک شرق اسلام سیاسی این نقش را بعهده گرفت. در هر حال این گفته یاسر عرفات در سالهای آخر عمرش که: "ما میخواهیم نه برده، بلکه شریک غرب باشیم". بخوبی تلاش چندین دهه ای بورژوازی عرب برای شریک شدن در بازار جهانی را نمایندگی میکند. اکنون بورژوازی عرب هم در قالب جنبش ناسونالیستی و هم اسلام سیاسی - در همه شاخه های چپ و راست و پرو غرب و آنتی غرب خود- به بن بست رسیده است. اکنون این تمایل به بازگشت به جهان امروز دیگر نه بوسیله بورژوازی عرب، نه از جانب بعثیستها و ناصریستها و اخوان المسلمین و نه در شکل "شریک شدن" در بازار جهانی بلکه بوسیله پرولتاریا، از جانب توده مردم محروم و پارهانی که خیابانها را به تصرف خود درآورده اند و از جانب نسل جوانی نمایندگی و بیان میشود که خواهان آزادی و برابری و رفاه منطبق با آخرین استانداردهای جهانی است. اکنون نوبت پرولتاریا است! طبقه ای که مبارزه خودش را نه در پشت میزهای مذاکره و کاخ سلاطین و امرای عرب و پارتیها و لابی های اروپائی، بلکه با استفاده از آخرین تکنولوژی ارتباطی و در خیابانها و در میان توده های جان به لب رسیده از سلطه سرمایه سازمان میدهد و به پیش میرود. این واقعیت را حدود يك هفته قبل از شکل گیری انقلاب تونس از جمله در فراخوان اینترنتی جوانان غزه

میبینید که از يك موضع رادیکال و انسانی اسرائیل و دول غربی و حماس و نیروهای اسلامی را بیگسان مورد حمله قرار میدهند. ( رجوع کنید به انترناسیونال شماره ۳۸۳ ). نه ناسیونالیسم و نه اسلامیسیم پاسخی برای این جوانان نداشته و ندارد. امروز این پرولتاریا است که میخواهد بهمراه خود تمام جوامع عربی را به تمدن قرن بیست و یکمی بکشاند. و این تمدن تنها میتواند عمیقاً انسانی و آزادیخواهانه و برابری طلبانه، یعنی سوسیالیستی باشد. تمدنی که همانقدر اویاما و کامرون و سرکوزی از آن بیگانه و در مقابل آن اند که بن علی و حسنی مبارک و خامنه ای.

انترناسیونال: شما به افق و آینده سوسیالیستی اشاره میکنید اما مساله این است که نیروهای چپ و کمونیست در این جوامع و کلا در سطح دنیا ضعیف هستند و نقش چندانی در این تحولات ندارند. این گرایش عمومی چپ بطور میتواند تحزب پیدا

کند و در این تحولات نقش ایفا کند؟ حمید تقوایی: اولین نکته اینست که در جوامع دیکتاتوری و اختناقزده- که معمولاً انقلابها در چنین جوامعی شکل میگیرد- کمونیستها تحت شدیدترین سرکوبها قرار دارند و لذا عجیب نیست که وقتی انقلاب در چنین جوامعی سر بلند میکند نیروهای چپ و کمونیست ضعیف باشند و فوراً نتوانند در تحولات نقش ایفا کنند. این بلرجاتی در مورد همه نیروهای سیاسی مترقی و رادیکال در این جوامع نیز صدق میکند. من اخیراً در پیام به مردم تونس نیز به این واقعیت اشاره کردم که یکی از خدمات دیکتاتوریها به طبقه حاکمه خالی کردن عرصه سیاست از نیروهای کمونیست و انقلابی است به نحوی که وقتی انقلاب در گرفت نیروئی برای سازماندهی و رهبری آن در صحنه نباشد.

جنبه دیگر مساله اما ضعف خود چپ است. واقعیت اینست بعد از شکست انقلاب در شوروی و جریان یافتن سرمایه داری دولتی تحت نام سوسیالیسم در این کشور، جریان اصلی چپ در کل جهان - اعم از احزاب پرو شوروی و یا آنها که بعداً با نام احزاب مائوئیست و تروتسکیست و کمونیسم اروپائی و چریکیسم و غیره ابراز وجود کردند- رطبی به آرمانهای آزادیخواهانه کارگری و کمونیسم و سوسیالیسم کارگری نداشت. در کشورهای عربی هم همین نوع کمونیسم غیر کارگری و عمدتاً ناسیونالیسم چپ با عنوان "سوسیالیسم عربی" میداندار بود. وجه مشترک همه این نوع چپهای غیر کارگری اعتراض به کمبودها و نواقص سرمایه داری بود و نه به نفس استثمار و نظام کارمزدی. این نوع چپ اهداف و دستور کاری برای خود داشت که از استقلال از بیگانگان تا رفع عقب ماندگیهای اقتصادی و از اتکا به فرهنگ و تاریخ خودی تا صنعتی کردن کشور و غیره را در بر میگرفت اما اساس و جوهر نقد سوسیالیستی به نفس استثمار و ماهیت ضد انسانی سرمایه درای در این لیست قرار نداشت. و هنوز هم بقایای این چپ سنتی همین نوع اهداف را دارد (نمونه حزب اس دلبلیو پی در انگلیس که کاملاً مدافع اسلام سیاسی در برابر امپریالیسم آمریکا است).

در کشورهای عربی هم محمل اعتراض این نوع چپ از مساله ملی فلسطین و اعتراض به اسرائیل و سلطه

امپریالیسم بر کشورهای عربی و عقب ماندگیهای سرمایه داری در این کشورها فراتر نمیرفت. مشخصاً در کشورهای عربی متعلق به بلوک شرق نظیر عراق و سوریه و مصر سرمایه داری دولتی با تئوری راه رشد غیر سرمایه داری الگوی اقتصادی این نیروها بود که اساساً ربطی به کمونیسم و آرمانگرایی کمونیستی نداشت.

با اضمحلال بلوک شرق و با سر بلند کردن کمونیسم کارگری این چپ بسیار تضعیف شد. از سوی دیگر اسلام سیاسی در منطقه عروج کرد و در سطح جهان شاخه هائی از چپ از فرط "ضد امپریالیست" بودن تماماً در کنار اسلام سیاسی ضد آمریکائی قرار گرفت! با توجه به این شرایط امروز چپ غیر کارگری بهیچوجه زمینه و جایگاه گذشته را در منطقه و در کل دنیا ندارد اما متأسفانه هنوز همان شیوه تفکر و متد و نگرش چپ سنتی بر بسیاری از فعالین و سازمانها و احزابی که خود را کمونیست میدانند سنگینی میکند.

در رابطه با انقلاب که موضوع مورد بحث ما است بر خود ایدئولوژیک ذهنی و مقوله ای به انقلاب و خیزشها و تحولات انقلابی يك ویژگی این چپ است. بسیاری از این نوع چپها تحولات اخیر را انقلاب نمیدانند و حاضرند آنرا بحران سیاسی، تحول، اعتراضات توده ای و هر چیزی بنامند بجز انقلاب. و این طفره رفتن از برسمیت شناسی تحولاتی است که همه دنیا آزا انقلاب میدانند و مینامند، تنها يك مساله مربوط به نامگذاری و لغت شناسی نیست. چپ سنتی با انکار انقلابات در واقع اعلام میکند این تحولات به خودش، به جنبش چپ و به طبقه کارگر نامربوط است. بعضی از این نیروها که میخواهند در عین پسیفیسیم ظاهر رادیکالشان را هم حفظ کنند معمولاً به بهانه عدم حضور مستقل طبقه کارگر در این تحولات و یا نبود خواستهائی از لیست ایدئولوژیک و کلیشه ای که از خواستههای سوسیالیستی و ضد سرمایه دارانه دارند متوسل میشوند و ازینجا نتیجه میگیرند که این انقلابها سوسیالیستی نیست و ازینرو به کمونیستها و طبقه کارگر ربطی ندارد! گویا از پیش بر پیشانی انقلابها نوشته شده که سوسیالیستی هستند یا نیستند! صد سال قبل لنین در پاسخ به این پرسش که انقلاب روسیه سوسیالیستی یا دموکراتیک است نوشت: این سوال متافیزیکی است.

## چپ، و زنجیره انقلابها ...

همه چیز بستگی به پراتیک احزاب و نیروهای سیاسی دارد. این برخورد کمونیسم کارگری به انقلاب در روسیه نیمه فئودالی صد سال قبل بود. و حالا در قرن بیست و یک که سرمایه داری همه کوره دها را هم فتح کرده است ما با چپانی مواجهیم که از پیش تصمیم گرفته اند که انقلابها سوسیالیستی نیستند! از نظر من نام انقلابها را احزاب و نیروهای سیاسی به آنها میدهند. از نقطه نظر عینی در عصر ما هر انقلابی سوسیالیستی است اما از لحاظ سیاسی و عملاً انقلاب سوسیالیستی انقلابی است که رهبری آن با سوسیالیستها باشد. نیروی مدعی سوسیالیسمی که از پیش تصمیم گرفته "انقلاب سوسیالیستی نیست" و از خود سلب مسئولیت و سلب وظیفه کرده است در واقع دارد انقلاب را دو دستی به بورژوازی تقدیم میکند.

به نظر من مدتهاست در دنیا همه انقلابها بالقوه سوسیالیستی هستند. یعنی از لحاظ عینی اعتراض به مصائب ناشی از سرمایه داری را منعکس میکنند و لذا میتوانند تحت رهبری طبقه کارگر و احزاب کمونیست کارگری به پیش بروند و به پیروزی برسند. بالفعل شدن این پتانسیل تماما به عملکرد احزاب کمونیست بستگی دارد. در مورد تحولات در تونس و مصر و دیگر کشورهای منطقه نیز عینا همین حکم صادق است. کمونیسم کارگری و حزب ما این تحولات جاری در کشورهای عربی را انقلابهای عظیمی میدانند که میتوانند به سوسیالیسم منجر شوند و با تمام قوا تلاش میکنند که به این نتیجه برسند.

انترناسیونال: این تلاشی که به آن اشاره میکنید مشخصا به چه معنی است. چون هدف مشخص حزب کمونیست کارگری ایران سرنوینی جمهوری اسلامی و خلغ ید سیاسی از بورژوازی در ایران است و نه در مصر و تونس یا هر کشور دیگری. در چنین شرایطی حزب واقعا و عملا چه میتواند بکند که انقلاب در مصر یا تونس تقویت شود و به پیش برود؟

حمید تقوایی: روشن است که امر انقلاب سوسیالیستی در هر جامعه ای مستقیما امر احزاب و فعالین کمونیست در همان جامعه است اما بیشک ما و همه نیروهای کمونیست

## از صفحه ۲

انقلابی در سراسر جهان میتوانیم در تقویت چپ و آلترناتیو سوسیالیستی و سازمانیابی حزب کمونیستی در جوامعی که در حال انقلاب هستند نقش موثری داشته باشیم. در شرایط انقلابی جامعه علی العموم به چپ میچرخد و گوشها برای شعارها و رهنمودها و آلترناتیو چپ باز میشود. انقلاب مناسب ترین شرایط برای بسط نفوذ چپ در هر جامعه ای است و میتوان و باید در دل يك انقلاب راه چندین ساله را يك شبه طی کرد. و این امری است که به همت و تشریک مساعی همه نیروهای چپ و انقلابی در سراسر جهان ممکن میشود. بخصوص که در عصر حاضر تکنولوژی ارتباطاتی - مدیای اجتماعی و اینترنت و ماهواره و تلفن موبایل - جهان را بیش از پیش به هم پیوند داده و جوامع را به هم نزدیک کرده است. امروز اینترنت و تلفن موبایل در سازماندهی انقلابها نقش تعیین کننده ای یافته است. تجربه انقلاب سال ۸۸ در ایران و امروز انقلاب تونس و مصر و دیگر کشورها همه نشاندهنده نقش تعیین کننده این وسائل ارتباط جمعی در خود سازماندهی مردم و شکل گیری تظاهرات و میتینگهای خیابانی و حتی گزارشدهی از انقلابات در سطح جهانی هستند. با بکار گرفتن این ابزارها نیروهای انقلابی سراسر جهان میتوانند بسیار بیش از گذشته در تحولات انقلابی در يك جامعه دخیل شوند و بر آن تاثیر بگذارند.

در رابطه با تونس و مصر که مورد بحث ما است به نظر من هم حزب کمونیست کارگری ایران و هم بخصوص حزب کمونیست کارگری چپ عراق امکان ایفای نقش زیادی در دل این تحولات داریم. باید نیروی از انقلاب دفاع کند، خواستههای آنرا فرموله و تبیین کند، راههای پیشروی را نشان بدهد، در مورد خطرات احتمالی و حرکات ارتجاع ب مردم هشدار بدهد، سازشکاری دشمنان دوست نمای انقلاب را افشا کند، جایگاه و اهمیت ارگانهای اعمال اراده توده ای مانند شوراهای در تونس و یا کمیته های دفاع از محلات در مصر را در پر کردن خلا سیاسی و شکل دهی به دولت آتی ب مردم نشان دهد، و خلاصه در هر مقطع و هر لحظه از روند انقلاب مهمترین موانع و راههای غلبه بر آن را با مردم در میان بگذارد. برای سازماندهی و رهبری عملی انقلاب

البته باید در خود جامعه حضور داشت و در میدان بود ولی این وظایفی که بر مردم از هر جای دنیا میتوان به پیش برد و در شکل دهی به تحولات نقش ایفا کرد. تلاش و کوشش ما پاسخگویی در حد ممکن یه این نوع وظایف است.

انترناسیونال: در مورد امکان دخالت و عرض اندام جریانات اسلامی در این تحولات چه نظری دارید؟ سیر وقایع تا همینجا نشان داده است که جریانات اسلامی نقش بزرگی در هدایت وقایع در این دو کشور ندارند. به نظر شما علت این امر چیست؟

حمید تقوایی: من در يك سطح عمومی به این سؤال پاسخ دادم. همانطور که بالاتر اشاره کردم يك علت نضح گرفتن و عروج اسلام سیاسی سهم خواهی بورژوازی عرب از سرمایه داری جهانی و مشخصا از غرب در دوره بعد از فروپاشی بلوک شرق بود. ناسیونالیسم عربی با فروپاشی شوروی بی افق شد و اسلام سیاسی بجلو رانده شد. جالب اینست که در ایران و افغانستان غیر عربی هم اسلام سیاسی را اساسا برای کشیدن حصار سبز حول شوروی آزمون و مقابله با انقلابهای ۵۷ ایران روی کار آوردند و عین همین نقش مقابله با خطر چپ کارگری بعد از میدان خارج شدن شوروی بعهد اسلام سیاسی ضدغربی - ضد آمریکائی قرار گرفت. يك پایه دیگر اسلام سیاسی مساله فلسطین است که اسلام سیاسی بویژه بعد از به بن بست رسیدن ناسیونالیسم عرب برای حل این مساله، وسیعا از آن ارتزاق میکند. این سرچشمه اسلام سیاسی نیز اکنون با بقدرت رسین حماس در نوار غزه در حال خشک شدن است. اما مهمتر از همه بحران و رسوائی کامل جمهوری اسلامی، در افول اسلام سیاسی نقش بازی کرده است. جمهوری اسلامی بعنوان ستون فقرات اسلام سیاسی زیر فشار مبارزه مردم در ایران و مشخصا خیزش انقلابی سال ۸۸ در انتظار جهانیان و بویژه در افکار عمومی مردم کشورهای به اصطلاح اسلامی صریحا و علنا رسوا و بی اعتبار شده و ته مانده های وجهه مستضعف پناهی و ضد آمریکائی گری خود را کاملا از دست داده است. بیابانه آتشین جوانان غزه در نقد اسرائیل و آمریکا و حماس و نیروهای اسلامی يك شاخص مهم این حاشیه ای شدن اسلام سیاسی حتی در میان فلسطینی ها است. چند روز

قبل در گزارشها این خبر بچشم میخورد که حماس از تظاهرات مردمی که میخواستند در غزه در حمایت از انقلاب مصر بخوابان بیابند جلو گیری کرده و حتی عده ای را در این رابطه دستگیر کرده است. و بدنبال تحولات مصر امروز از نا آرامی در سودان و در سوریه خبر میرسد. واقعیت اینست که اسلام سیاسی اساسا با خط ضد آمریکائی گری و ضدیت با فرهنگ و ارزشهای غربی از يك موضع کاملا ارتجاعی بمیدان آمد و این جهت گیری در انقلابهایی که نه در اعتراض به اسرائیل و آمریکا و نه بخاطر رشد صنعتی و یا استقلاب و "بازگشت به

ریشه های خود" و غیره بلکه مستقیما و صریحا علیه فقر و بی حقوقی و تبعیض و نابرابری و سرکوب شکل میگیرد جایگاهی ندارد. مصر و تونس امروز ایران ۵۷ نیست. اگر خمینی در ایران ۵۷ توانست بعنوان رهبر انقلاب عروج کند و انقلاب را به خود بکشد اساسا به دو علت بود. علت اول وجود جنبش ملی مذهبی ضد شاهی ضد آمریکائی بود که بخصوص بعد از کودتای ۲۸ مرداد به بستر اصلی جنبش اعتراض به حکومت شاه تبدیل شده بود و نیروهای ارتجاعی اسلامی نیز در این جنبش جای مهمی داشتند و علت دوم این بود که بورژوازی غرب در هراس از انقلاب ایران و دقیقا بخاطر پتانسیل چپ این انقلاب به تنها آلترناتیو "امن و مطمئن" برای سرمایه داری ایران یعنی نیروهای اسلامی رضایت داد و خمینی را زیر نور افکن گرفت و به راس انقلاب راند. هیچ يك از این شرایط امروز در کشورهای عربی وجود ندارد. امروز اسلام سیاسی میتواند در جوامعی که از بالا دستخوش تحول میشوند مثل مورد عراق و یا افغانستان جایگاهی در سیاست پیدا کند اما در شرایط انقلابی که بر متن بحران سرمایه داری جهانی شکل میگیرد جایی در میان مردم نمیتواند پیدا کند. کما اینکه تا امروز نتوانسته است در تحولات تونس و مصر جایگاهی داشته باشد. اما البته خطر قدرت گیری این نیروها همچنان وجود دارد. هنوز این احتمال وجود دارد که نیروهای اسلامی در انتلافی با نیروها اپوزیسیون بورژوائی و با برخورداری از حمایت غرب در این کشورها در قدرت سهیم شوند. بویژه در مصر اخوان المسلمین میتواند در آینده چنین نقشی بازی کند. اما نکته مهم اینست که هر اندازه انقلاب به پیش برود و عمیق تر و رادیکال تر بشود این

احتمال ضعیف تر خواهد شد. بعبارت دیگر نیروهای اسلامی در این انقلابات مانند هر نیروی اپوزیسیون بورژوائی دیگر در کمپ ارتجاع و ضد انقلاب تنها در مقابله صریح با خواست و آرمانهای انقلابی مردم امکان ایفای نقش دارند و نه مانند عراق یا افغانستان و یا حتی ایران سال ۵۷ در ظاهر يك نیروی انقلابی و با ادعای مستضعف پناهی و ضد آمریکائی گری. نمونه اخوان المسلمین در مصر که بیشتر شبیه نهضت آزادی در ایران زمان شاه عمل میکند تا خمینی و یا القاعده بخوبی نشاندهنده این واقعیت است.

انترناسیونال: بعنوان آخرین سؤال نظر شما در مورد تاثیرات این تحولات بر وضعیت سیاسی در ایران چیست؟

حمید تقوایی: جمهوری اسلامی سعی میکند این تحولات را به نفع خود و نیروهای اسلامی تعبیر و تفسیر کند اما وحشت حکومت از این انقلابها کاملا آشکار است. يك علت بالا گرفتن دستگیریها و اعدامها و بگیر و ببندها در هفته های اخیر وحشتی است که حکومت از انقلاب در مصر و تونس دارد. از سوی دیگر شعارهایی نظیر "بعد از بن علی نوبت سید علی" و یا "چه تهران چه قاهره دیکتاتور باید بره" را از هم اکنون در سایتها و ضد حکومتی و در فراخوانهای دانشجویان دیگر گروههای فعال اجتماعی مشاهده میکنیم. واقعیت اینست که تحولات جاری در کشورهای عربی بسیار شبیه و نزدیک به تحولات سال ۸۸ در ایران است تا به جنبش و نیروهای اسلامی نظیر حزب الله و حماس و یا القاعده و شیعیان عراق. سیدعلی و بن علی و حسنی مبارک و رژیمهای فاسد و سرکوبگرشان نیز وجهه مشترک زیادی با هم دارند. مردم ایران با شوق و امید، و حکومت با ترس و وحشت تحولات منطقه را دنبال میکنند و هر يك درسهای خود را میگیرند اما نکته مهم اینست که افق چشم اندازی که این انقلابها در برابر جامعه ایران و دیگر جوامع در منطقه قرار داده است کل صورت مساله را از تقابل دو قطب غرب و اسلام سیاسی خارج کرده و بر مبنای تقابل طبقاتی بین صف انقلاب و ضد انقلاب قرار داده است. مساله بر سر مقابله کارگران و توده مردم محروم با حکومتها موجود و بر سر آزادی و برابری و رفاه است و این واقعیت را امروز حتی از



## بازتاب هفته

بهر روز مهر آبادی

### میلیاردهای گم شده در جمهوری اسلامی



### استیضاح وزیر راه، چشم زخم مجلس اسلامی به دولت

یک ماه پس از سقوط یک هواپیمای مسافربری در نزدیک ارومیه، روز ۱۲ بهمن مجلس اسلامی رای به استیضاح حمید بهبهانی وزیر راه و ترابری داد. سقوط این هواپیما منجر به کشته شدن بیش از ۷۰ نفر و مجروح شدن سایر سرنشینان شد. وزیر راه درباره این سانحه اظهار داشت که این حوادث طبیعی است. بی تفاوتی دولت در مقابل کشته و مجروح شدن چند صد نفر و حوادث هوایی متعدد، موجبی برای ابراز خشم و انزجار به مقامات جمهوری اسلامی شد و در متن اعتراضات مردم که بطور وسیع در رسانه های داخل ایران منعکس شد، مجلس فرصت یافت تا در ادامه جدال جناحهای حکومت ضرب شخصی به دولت احمدی نژاد نشان دهد. حمید بهبهانی از همکاران قدیمی احمدی نژاد و مدتها مشاور او بود و از تابستان ۸۷ وزیر راه شد. افزایش ابعاد فساد مالی در وزارت راه و اسلامی کردن بسیاری از امور حیاتی و تخصصی حمل و نقل و سپردن آن به فرماندهان سپاه، امنیت ترافیک هوایی و زمینی را به خطرناک ترین و نازل ترین سطح رساند. بجز دهها مورد بروز سانحه هوایی در سالهای اخیر، راه های ایران در ردیف خطرناک ترین جاده های دنیا بشمار می آیند که هر سال چند ده هزار نفر را قربانی میکنند. پروژه های بزرگ راه سازی فقط بهانه ای برای چپاول و دزدی دست اندرکاران رژیم است. نمونه ای از این فساد گسترده مالی را در پروژه های راه آهن اصفهان - شیراز و زاهدان - بم می توان دید. در خرداد سال ۸۸ صدها کیلومتر خطوط تازه تاسیس راه آهن با عبور اولین قطار از هم پاشید و غیر قابل استفاده شد. بابت هر کدام از این پروژه ها میلیاردها تومان به جیب شرکت هایی رفته بود که در مالکیت "آقازاده ها" و وابستگان رژیم بود. فیلم ها و عکس های منتشر شده از خطوط کج و معوج راه آهن این دو پروژه بی شباهت به صحنه های فیلم های کمندی نبود اما هیچ کس بخاطر این افتضاح بزرگ بازخواست و محاکمه نشد. مبدا تاریخ وضعیت فاجعه بار حمل و نقل در

ایران، شروع کار دولت احمدی نژاد نیست، بسیاری از پروژه ها بسیار قبل از آن شروع و انجام شده و دست اندرکاران بسیاری از آنها امروز در جناح مخالف دولت و منتقد آن هستند. صنعت جاده سازی و حمل و نقل ایران در طول چندین دهه و در حکومت های مختلف منبع مناسبی برای رشوه خواری و فساد بوده است. حکومت اسلامی فقط ابعاد این غارتگری را چندین برابر گسترده تر و گستاخانه تر کرده است. با برکناری حمید بهبهانی نه وضعیت حمل و نقل در ایران بهتر خواهد شد و نه دعوی بین باندهای رژیم خاتمه خواهد یافت. با وجود جمهوری اسلامی، چنین امری محال است.\*

### کلیسا گریزی در بلژیک و پدوفیلی مردان خدا

گزارش ها و آمار منتشر شده نشان میدهد که در دو سال گذشته تعداد معتقدین به کلیسا در کشور بلژیک به یک سوم کاهش یافته و کمتر از ۸ درصد شده است. انجمن "دوستانداران اخلاق سکولار" که یکی از نهاد هایی است که به افراد کمک می کند تا از لیست اعضای کلیسا خارج شوند، اعلام کرده است مواردی که این انجمن در دست اقدام دارد نسبت به دو سال قبل ۲۵ برابر شده است و تعداد زیادی خواستار باطل شدن غسل تعمید خود در کلیسا شده اند. این روند در همه کشورها به درجات و میزان بسیار بالایی در جریان است. فرار از کلیسا در بلژیک با افزایش تازه ترین اسناد تجاوزات و سوء استفاده گسترده جنسی از کودکان توسط کشیشان در مدارس و موسسات مذهبی افزایش یافت. در نائیز سال گذشته گزارش یک کمیسیون تحقیق در این مورد انتشار یافت که در طول ده ها سال صدها کودک مورد آزار جنسی مردان خدا قرار گرفته بودند. این فجایع در تمام مدارس شبانه روزی و در همه حوزه های اسقفی وجود داشته و نام و مشخصات بیش از ۵۰۰ کودک که مورد تعرض قرار گرفته اند تاکنون مشخص شده است. ۱۳ نفر از این قربانیان خودکشی کردند و تعداد دیگری پس از اقدام به خودکشی نجات یافتند. بسیاری از آنها تا آخر عمر از عوارض روانی و جسمی رنج خواهند برد که توسط خادمان کلیسا به آنها وارد شده است. اما گفته میشود تعداد واقعی قربانیان بسیار بیشتر از این است. بسیاری از آنها ترجیح می دهند

تا سکوت کنند و خاطرات درد آور شکنجه ها و آزارهای جنسی که متحمل شده اند، را تازه نکنند. ابعاد این جرائم جنسی آنقدر گسترده بود که پلیس به جلسه اسقف های کلیسای بلژیک یورش برد و اسناد و کامپیوترهای آنها را توقیف کرد. بر اساس گزارشات منتشر شده در رسانه های بلژیک چند نفر از اعضای کمیسیون تحقیق و شاهدان توسط عوامل کلیسا تهدید به مرگ شدند. اما با وجود این همه قربانی و شاهدان زنده، فقط تعداد بسیار اندکی از کشیشان از کار در کلیسا برکنار شده اند. یکی از آنها مارشال ماسیل نام داشت که مورد حمایت شخص پاپ و بنیانگذار نهادی بنام لژیونهای مسیح بود. بدنبال افشای اسناد متعدد جرائم

پدوفیلی او، واتیکان ناچار شد که او را در سال ۲۰۰۶ بازنشسته کند. جنایات انجام شده توسط کلیسای بلژیک گوشه ای بسیار کوچک از تجاوزات و سوء استفاده های ضد انسانی مافیایی کلیسا در این کشور و در همه کشورهاست. در چند سال اخیر نمونه آن در آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی، در ایرلند و چند کشور اروپایی دیگر افشا شده و جنایات انجام شده زیر ذرای مذهب را نشان داده است. یک نکته که مورد تاکید قرار گرفته و اثبات شده اینست که پاپ بندیکت، پاپ کنونی واتیکان از بسیاری از این جنایات باخبر بوده و مانع افشای آنها شده است و حتی در مواردی از تئوریته خود استفاده کرده تا مانع محاکمه کشیشان پدوفیلی شود.\*

اطلاعیه شماره ۸۷

### کارگران بازداشتی ایران خودرو آزاد باید گردند

حمایت آشکار جمهوری اسلامی از کارفرمایان، جان خود را از دست داده اند و در فاجعه ناگوار ۵ دی بنا به گزارش هایی ۱۵ نفر جان باخته اند. اکنون هنگامیکه کارگران به این شرایط برده وار معترض میشوند، جانیان اسلامی آنها را مورد حمله قرار داده و راهی زندان کرده اند. از مبارزات کارگران ایران خودرو برای تحقق خواستههایشان وسیعا حمایت کنیم و به این دستگیری ها وسیعا اعتراض کنیم. ما از کارگران ایران خودرو میخواهیم که در تمامی بخش های ایران خودرو در اسرع وقت لیست اسامی کارگران بازداشتی را روشن کنند و اسامی آنها را با اسم و رسم و عکسشان همه جا منتشر کنند و بکوشند با جلب حمایت وسیع مردم و وسیعترین حمایت جهانی، هر چه زودتر همکاران خود را از چنگ جانیان اسلامی رها کنند و خواستههای خود را پیگیری نمایند. کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

بنا به اطلاعیه جمعی از کارگران ایران خودرو و اتحادیه آزاد کارگران پس از فاجعه جانباختن کارگران ایران خودرو در ۵ دی ماه، و بدنبال یورش حراست و گارد ویژه جمهوری اسلامی به صف کارگران معترض این کارخانه در همان شب، تعدادی از کارگران بازداشت و به محل نامعلومی منتقل شده اند. "کمپین برای کارگران زندانی" دستگیری این کارگران را شدیداً محکوم میکند و از همه کارگران میخواهد که در اعتراض به این اقدام و حشیشانه جانیان حاکم، به هر شکل ممکن دست به اعتراض بزنند. کارگران ایران خودرو حق طبیعی شان است که نسبت به فاجعه ای که به مرگ و زخمی شدن شمار زیادی از همکارانشان منجر شده دست به اعتراض بزنند. حکومت توحش اسلامی سرمایه داران با این تعرض بی شرمانه دارد تاکید میکند که سرنگونی این نیروی جنایتکار و خبیث و چپاولگر و ضد کارگری، تنها راهی است که جلوی کارگران قرار دارد. تا هم اکنون دهها کارگر در کارخانه ایران خودرو بدلیل شرایط برده وار کار و سوجدویی کارفرمایان جنایتکار و

### کمپین برای آزادی کارگران زندانی

shahla\_daneshfar@yahoo.com شهلا دانشفر

00447779898968

bahram.soroush@gmail.com بهرام سروش

0044-7852 338334

برای امضای طومار اعتراضی کمپین برای آزادی کارگران زندانی و پیگیری اخبار مربوط به کارگران زندانی به وب لاگ ویژه این کمپین سر بزنید.

<http://free-them-now.blogspot.com/p/>

## بازتاب هفته

### جمهوری اسلامی و انقلابات مصر و تونس!



محمد شکوهی

انقلاب مردم مصر با قدرت ادامه دارد. روز سه شنبه هفته ای که گذشت بنا به گزارشهایی چند صد هزار نفر و بنا به گفته برخی شاهدان قریب یک میلیون نفر در قاهره تجمع کرده و خواهان سرنگونی حکومت مبارک شدند. انقلاب مردم مصر در ادامه انقلاب جاری مردم تونس توجه جهانیان را برانگیخته است. مردم خاورمیانه و کشورهای معروف به "عربی" تشنه آزادی ورهایی از شرکومتهای دیکتاتوری هستند و در این مبارزات رهایی کل مردم منطقه را می بینند. آنچه برای همه مردم جهان قابل توجه است اینست که نه انقلاب در تونس و نه انقلاب در مصر چهره مذهبی و اسلامی از خود نشان نداده است و جریانات اسلامی بازیکنان برجسته ای در آنها نبوده و نیستند. اما حکومت اسلامی ایران که نمیتواند وحشت خود را از انقلابات مخفی کند، در عین حال تقلا میکند آنها را اسلامی قلمداد کند و از این طریق روحیه نیروهایش را حفظ کند. دوشنبه هفته ای که گذشت خبرگزاری سپاه پاسداران متن سخنرانی خامنه ای را سال گذشته در جمع ارادل و اوپاش حکومتی را گذاشته و ادعا کرده که خامنه ای سرنگونی "فرعون زمان" و رژیم مبارک را پیش بینی کرده بود و این انقلاب در ادامه "راه خمینی و بیداری اسلامی" می باشد! روز بعد وزارت خارجه رژیم آدمکشان بیانیه داد و از مبارک خواست به اعتراضات مردم با خشنونت برخورد نکند" و صدای مردم را بشنود! و این گفته برآستی یک جوك تاریخی است. در برخورد به تونس هم ادعا کردند ادامه انقلاب اسلامی و کار امام زمانشان است. از روز سه شنبه هفته جاری تحلیل ها و اظهار نظرهای مقامات رژیم و خامنه ای از انقلاب جاری مردم ظاهر رسمی تری به خود گرفته است. موضع رسمی حکومت که در ادیو و تلویزیون و سایتهای اینترنتی

حکومتی اعلام شده و نمایندگان مجلس رژیم هم بیانیه ای در حمایت از این انقلاب داده اند، عبارت است از اینکه: مردم مسلمان مصر خواهان سرنگونی حکومت مبارک بوده و از "الگو انقلاب اسلامی" در ۳۲ سال پیش درس گرفته و در ادامه "بیداری مسلمانان خاورمیانه" بوده و حکم دادند که "خاورمیانه اسلامی" در حال شکل گیری می باشد. اما این کل ماجرا نیست. بخش هایی از حکومت از این اظهار نظرهای رسمی و "عجولانه" مقامات رژیم انتقاد کرده و گفته اند که هنوز نمی شود به این انقلاب اسلامی گفت شاید در آینده! در ادامه این ظاهر نظر تبلیغات رسمی حکومت در مدیا تقلا و تلاش جمهوری اسلامی روی محور این که این انقلاب اسلامی بوده متمرکز شده است. سخنگویان دولت و مراجع رسمی در همین رابطه شروع به زدن رنگ اسلامی و پیدا کردن چهره و "رهبر اسلامی" برای انقلاب مردم مصر بر آمده اند.

انقلابات مصر و تونس و ادامه اعتراضات در کشورهای عربی هر چه باشد، همانطور که اشاره شد اسلامی نبوده و نیست. و الگویش جمهوری اسلامی نمی تواند باشد. اتفاقا برعکس در روزهای اول انقلاب تونس مطبوعات معتبر جهانی تیتیر زدند اعتراضات مردم بر علیه فقر و گرانی و فساد و نقش زنان در انقلاب تونس، و تصاویری که به دنیا مخابره شد، جهانیان را به یاد ندا دختر دانشجوی معترض ایرانی انداخت. خود نحوه شکل گیری و ادامه و نقش زنان و تشکل های کارگری و دانشجویان و کارگران و مردم در این مبارزات، طرح مطالبات رادیکال و برابری طلبانه در تظاهراتهای جاری حاکی از این است که این انقلابات هر چه باشد اسلامی نیست! اتفاقا خیزش مردم ایران با شعار مرگ بر دیکتاتور و مرگ بر خامنه ای در سال ۸۸ یکی از فاکتورها و عواملی است که رنگ خود را بر این انقلابات زده است. خود اسلامی های این کشورها هم جرات ادعای رهبری و نقش برجسته در این انقلابات را ندارند. اما این به معنای عدم ادامه تقلاها و تلاش های جمهوری اسلامی به عنوان نماینده اسلام سیاسی و جریانات تروریست

هوادارش نبوده و نیست. واقعیت این است که درجه آگاهی و رشد سیاسی مردم و رادیکلیسم آزادخواهی و برابری طلبانه ای که در این انقلابات نهفته است، فرصت میدان دار شدن جریانات اسلامی را تا کنون به شکست کشانده است. مردم تحرکات جریانات تروریست اسلامی در ترور و سرکوبیهایشان در دهه ۹۰ در تونس، الجزایر، مصر دیده اند و متوجه شده اند که این جریانات به غیر از ناامنی، ترور و سرکوب مردم کاری نکرده اند. به همین خاطر تا وقتی که انقلاب در خیابانها جاری است و خواسته های رادیکال را پیگیری می کند، جریانات اسلامی شانس ندارند. برعکس وجه دیگر تاثیرات این انقلابات منطقه ای بدون شک تضییف به مراتب بیشتر جمهوری اسلامی و کل جریان اسلام سیاسی خواهد بود. تا همینجا انقلابات مردم در تونس و مصر نشان داده اند که این جریان پایگاه اجتماعی در میان مردم نداشته و نمی تواند الگوی مردم باشد و این باعث نگرانی جدی جمهوری اسلامی شده است.\*

### انقلاب در سنگر مصر

یاشار سهندی

یک هفته نفس گیر در مصر را پشت سر گذاشتیم. از لحظه تاپ این یادداشت تا منتشر شدن آن ممکن است هزار اتفاق در مصر افتاده باشد. برای مایی که در ایران حدود سی سال پیش در جریان یک انقلاب بودیم که توانستند ضد انقلاب اسلامی را بر آن سوار کنند تا امروز که انقلابی دیگر بر علیه حکومت سی ساله ضد انقلاب اسلامی به جریان انداخته ایم و در فاز اول آن موفق شدیم چهره کربه و دهشتناک جنبش اسلامی را در سراسر جهان به نمایش بگذاریم؛ این وقایع طعم دیگری داشت. گویی مبارزه خود ماست که اکنون در مکان دیگری و در سنگری دیگر بیرون زده است و یورش به مواضع بورژوازی را شروع کرده است. آنچه در تونس اتفاق افتاد وقوع یک طوفان قریب الوقوع در سراسر منطقه خاورمیانه و شمال افریقا را نوید داد و کیست منکر شود که تحولات در این منطقه بر سرنوشت سیاسی جهان اثر میگذارد؟ به همین دلیل است که تحولات این دو کشور در این منطقه چشم تمام جهان را معطوف خود نموده است. و

چشم ما مردم ایران نیز به آنجا دوخته شده است و با نگرانی و شوق فراوان اتفاقات آنرا لحظه به لحظه پی میگیریم. در دنیای امروز با امکانات امروز میتوان در قلب حوادث بود. دیگر کسی که گوشه خانه اش نشسته نیز نمی تواند خودش را بری از حوادث چهار گوشه جهان بداند. وقایع قاهره در روز چهارشنبه که تا نیمه های شب ادامه داشت و جنگ میان حکومت و مستبد و مردم به جان آمده، من نوعی را که فرسنگها دور از حوادث بودم به التهاب واداشته بود که مبادا سرکوبگران موفق شوند و مردم را با سرافکنندگی به خانه ها بفرستند؟ حکومت مصر از جمهوری اسلامی در سرکوب مبارزات مردم ایران درس آموزی کرده بود و به شیوه این حکومت نیروهای سرکوبگرش را به نام "نیروهای خود جوش طرفدار مبارک" سازمان داده بود و به جان مردم انداخته بود. حیوانات (شتر و اسب) نیز از دست این جانوران در امان نبودند و به عنوان وسیله سرکوب مردم به خیابانها آورده شده بودند. اما مردم قاهره در نبردی سهمگین تا نیمه های شب به مبارزه خود ادامه دادند و فدای آنروز (پنجشنبه) نیز همانگونه که قول داده بودند به خیابان آمدند و اعلام کردند تا رفتن مبارک مبارزانشان ادامه خواهد یافت. انقلاب در مصر با جدیت و شدت ادامه دارد و کشورهای دیگر منطقه نیز در تب و تاب آن میسوزند. یمن و اردن بنا به گفته بی بی سی به پیشگیری پرداخته اند تا مجبور به درمان نشوند! یا دولت را عوض کردند یا دیکتاتور وعده داده تا دو سال دیگر هست بعد هم خدا کریم است! دولت ترکیه با نگرانی از اینکه این تحولات چه تاثیر عمیقی بر جامعه خواهد داشت رسماً خواستار رفتن مبارک شده است. دول

اروپا و امریکا میدانند که کار دیکتاتور به آخر رسیده. دولتی که از سوی خانم کلینتون "با ثبات" خوانده شده بود در عرض کمتر از ده روز به منفورترین چهره سیاسی در جهان تبدیل گشته است و خود خانم کلینتون خواستار کناره گیری مبارک شدند تا "اصلاحات آرام" جایگزین دولت کنونی گردد و به گفته اواما "دموکراسی نوین" (!؟) شکل بگیرد. اما جمهوری اسلامی با وحشت و نگرانی شاهد خشم مردم منطقه است و نگران این است که "روز خشم" نهایی مردم ایران فرا برسد. این حکومت سعی دارد انقلاب مصر را به حساب جنبش سپاه اسلامی که خود سردمدار آن است بگذارد و از این طریق جو روانی جامعه را که در پی لحظه مناسب برای حرکت هماهنگ است، عقب براند. جمهوری اسلامی در اینجا تنها نیست مدیای فارسی زبان بورژوازی مودیانه دارند تلاش میکنند که سر انقلاب مردم مصر را به سنگ بکوبند. و عمده ترین کارشان این است تا جا دارد سعی دارند جریانهای اسلامی را در این انقلاب عمده کنند و نشان دهند که جمهوری اسلامی قدرتمندتر خواهد شد تا بدین وسیله این انقلاب جاری در منطقه را تخطئه کرده باشند تا بتوانند دل مردم ایران را بخصوص خالی کنند. در مقابل این تلاش مزورانه بورژوازی، ما در ایران وظیفه داریم به حمایت وسیع از جنبش انقلابی در منطقه برخیزیم. و نیز به مردم ایران یادآور شویم که کار فقط با یک قیام مردمی تمام خواهد شد. انقلاب ما در ایران میتواند راهگشای کل مردم منطقه باشد چرا که این انقلاب دقیقاً میدانند چه میخواهد. و میتواند با وجود موج انقلابی در منطقه به سرعت پا بگیرد و با اتکا به کل مردم منطقه به پیش برود.\*

### تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹

### تلفن تماس با حزب از ایران

شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

### دفتر مرکزی حزب

### چپ، و زنجیره انقلابها ..

از صفحه ۳

برخورد نیروهای اپوزیسیون بورژوازی ایران به تحولات مصر میتوان دریافت. این انقلابها در پایگاه سنتی غرب و متحد آمریکا در منطقه صورت میگیرد و از این نظر آینده چندان دلچسب و مطمئن در برابر نیروهای سلطنت طلب که همه سرمایه سیاسی شان حمایت آمریکا است قرار نمیدهد. از سوی دیگر تمام آرمان و ایدئولوژی و ارزشهای قومی ناسیونالیستی ایران - دفاع از خلیج همیشه فارس و تحقیر مداوم اعراب و بالیدن به کورش بزرگ و غیره - با انقلاب در کشورهای عربی دود میشود و به هوا میروند. این نیروها در تحولات ۸۸ ایران توانستند به هر شکل قیافه آزادیخواهی - حال تحت نام حقوق بشر نوع کورش کبیر -

برقرار میکنند و غیره. اما واقعیت جایی برای این دلخوشیها باقی نمیگذارد. اولین درسی که هم اکنون مردم ایران از تحولات تونس و مصر گرفته اند اینست که نباید به هیچیک از مهره های حکومتی دلخوش کرد. باید از پائین سازمان داد و بسیج کرد و حرکت کرد و این امر همانطور که جوانان تونس و مصری نشان دادند کاملاً امکان پذیر است.

خلاصه کنم. زنجیره انقلابهایی که شروع شده است کل ارتجاع در پوزیسیون و در اپوزیسیون را بجالش میکشد و این راه را برای عروج چپ و کمونیسم کارگری بسیار مساعد و هموار کرده است. \*

قوا در این جهت تلاش میکنند و همه سازمانهای مترقی و مدافع حقوق انسان، اتحادیه های کارگری، و همه نیروهای اپوزیسیون را به فعالیتی وسیعتر و هماهنگ تر از هر زمان بر علیه اعدام ها و برای آزادی زندانیان سیاسی فرا میخواند. گسترده باد اقدام متحد مردم آزاده علیه اعدام ها و در دفاع از زندانیان سیاسی!

سزنگون باد جمهوری اسلامی!  
زنده باد حکومت انسانی!  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱ فوریه ۲۰۱۱، ۱۲ اسفند ۱۳۸۹

### انقلاب در مصر، اعدام در ...

از صفحه ۱

تمام دولت های جهان اعدام ها را محکوم کنند و خواهان پایان دادن فوری به اعدام و آزادی کلیه زندانیان سیاسی در ایران شوند. باید وسیعاً فشار آورد که جمهوری اسلامی را مورد تحریم سیاسی دیپلماتیک قرار دهند، روابط سیاسی خود را با این حکومت قطع کنند، سفر مقاماتش را به کشورهای خود ممنوع کنند و از کلیه مجامع بین المللی بیرونش کنند. حزب کمونیست کارگری با تمام

### به سازمان ملل، پارلمان اروپا و دولت های غربی

باید فوری کاری کرد، جان زندانیان سیاسی در ایران در خطر است

### خانمها و آقایان

این گوشه ای از يك تماس تلفنی در تاریخ ۳۱ ماه ژانویه از زندان رجایی شهر کرج با کمیته بین المللی علیه اعدام است.

"میخواهم در مورد سالن ۱۲ زندان رجایی شهر با شما صحبت کنم. ما حق تردد نداریم، در را قفل کرده اند سه نفر از ما را برده اند انفراوی افشین بایمانی، شهرام پور منصور و لقمان مرادیان. البته در مورد لقمان موضوع اینست که او را به اوین برده اند و در بند ۲۰۹ است، گفته شده که لقمان را برده اند در آنجا اعدام کنند. زانیار را هنوز نبرده اند. علی محمدی معاون زندان و مدیر اخلی زندان آمدند و وضعیت را نگاه کردند و رفتند. شورای امنیت کشور گفته که زندانیان حق داشتن تلفن همراه را ندارند. همه ارتباطات با بیرون را قطع کرده اند. تردها همه در داخل

زندان هم قطع است. بهداری را بسته اند و سه نفر محسن دگمه چی سرطان روده دارد، ماشاالله حائری مشکل بیماری مغز دارد و مهدی محمودیان مشکل ناراحتی قلبی دارد و مدام از هوش میروند و غش میکنند. اینها را نه فقط کمک نمیکنند بلکه بهداری را رسماً تعطیل کرده اند."

در اوین و زندانهای مشهد و شیراز و ... نیز اوضاع از همین قرار است. و اکنون خبر رسیده است که سه شنبه هفته آینده ممکن است تعدادی از فعالین سیاسی و از جمله سعید ملک پور، شهروند کانادا، را اعدام کنند. زانیار و لقمان مرادی را رژیم قصد دارد در ملاء عام و در میوان اعدام کند.

محسنی اژه ای روز ۳۱ ژانویه در مصاحبه با رسانه ها گفت که تعدادی را در کرج و تهران و بیرجند اعدام کرده اند. اما رژیم اینبار حتی نمیگوید چه

تعداد و چه کسانی را اعدام کرده است. در دو ماه گذشته نیز بیش از صد نفر از زندانیان دیگر را به اتهام فروش مواد مخدر و غیره در زندانهای مختلف اعدام کرده است که جرم واقعی آنها روشن نیست. و ماشین کشتار رژیم همچنان فعالانه مشغول کار است. حکومت اسلامی در حالیکه توجه افکار عمومی جهان به رویدادهای مصر و تونس معطوف است، تعداد بیشتری را اعدام میکند تا به زعم خود مردم و جوانان معترض را بترساند.

### خانمها و آقایان!

اوضاع در زندانهای ایران اضطراری است و بهمین دلیل احتیاج به عکس العمل فوری از سوی شما دارد. نباید منتظر شد و بعد از اعدام سعید ملک پور و تعداد دیگری از زندانیان سیاسی اعتراض کرد، باید از هم اکنون برای جلوگیری از این اعدامها حکومت اسلامی را زیر فشار گذاشت. در دهه شصت این حکومت هزاران زندانی سیاسی را تیرباران کرد و دولتهای غربی، احزاب حاکم در این کشورها و

### شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:

<http://www.countmein-iran.com>

### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتونید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۷۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

### آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:  
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

### کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

### هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

### آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, WA 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبیل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

رسانه های بین المللی سکوت کردند و سی و دو سال عملاً در کنار این حکومت و مقابل مردم ایران قرار گرفتند. اینبار دنیا از شما قبول نمیکند. این بار هم شما اساساً سکوت کرده اید. تحریم تعدادی از مهره های رژیم و بیانیه های انتقادی برخی از دولتها و به اصطلاح مذاکرات محرمانه با مشتکی آدمکش که بعنوان رفع تکلیف انجام میشود بیشتر بیان مداخلات شما با جمهوری اسلامی است. و اینرا مردم دنیا میبینند و از شما قبول نمیکنند. مردم ایران موضعگیری تک تک شما را زیر نظر دارند و شما را کنار جمهوری اسلامی می بینند.

میخواهند که دست از مداخلات با این حکومت بردارید، روابط سیاسی دیپلماتیک تان با این رژیم و دعوت از سران آن برای نشست های علنی و محرمانه را قطع کنید، سفارتخانه های رژیم را ببندید، خواهان آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و قطع کامل اعدام ها و لغو مجازات اعدام شوید. جمهوری اسلامی مورد نفرت و انزجار عمیق مردم ایران است. جوانان و کل مردم مصمم هستند که تکلیف این حکومت را یکسره کنند و یکسره میکنند. سیاست تان را عوض کنید.

مینا احدی

سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام

۳ فوریه ۲۰۱۱

امروز دیگر هیچ عذر و بهانه ای قابل قبول نیست. مردم بحق

## پیام مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام در مورد ۲۹ ژانویه

برای جلوگیری از جنایات بیشتر حکومت اسلامی، متحدانه به پیش!



به همه آزادیخواهان و مخالفین اعدام که در روز ۲۹ ژانویه در افغانستان و عراق، در کشورهای اروپایی و در کانادا و امریکا و هر جای دیگر دنیا به خیابان رفته و در دفاع از زندانیان سیاسی و علیه جنایت و خونریزی سفاکانه حکومت اسلامی اعتراض کردن، درود میفرستم.

ما در روز ۲۹ ژانویه با صدای بلند خشم و انزجار عمیق خود را علیه اعدام و علیه حکومت اسلامی ابراز داشتیم.

جمهوری اسلامی ایران، روزانه بساط شنیع اعدامش را پیش میبرد و این دستگاه جنایت فقط در یک ماه گذشته جان بیش از ۱۰۰ نفر را قربانی کرده است. درست در روز ۲۹

به این جنایات بیش از پیش جلب کرد و این میتواند سر آغاز حرکتی گسترده تر، متحدانه تر و موثر تر علیه اعدامها در ایران باشد.

در این تظاهرات یک نکته مهم اعتراض و انتقاد تظاهرکنندگان به دولتها و قدرتهای جهانی مانند اتحادیه اروپا و سازمان ملل و دوول غربی بود که با حکومت اسلامی مامشات میکنند. خواست بیرون انداختن مقامات حکومت اسلامی از نهادهای بین المللی و خواست قطع روابط دیپلماتیک با جمهوری اسلامی ایران در این حرکتها مطرح شد و باید بیش از پیش بر این خواست در حرکات بعدی تاکید بگذاریم.

در روز ۲۹ ژانویه، یک مرکز مهم اعتراض علیه جانیمان اسلامی کشور افغانستان بود. صدها نفر در چهار شهر افغانستان، به خیابان رفته و نفرت عمیق خود را علیه اعدامها در ایران ابراز کردند. این یک صحنه باشکوه ابراز همبستگی زنان

و مردان رزمنده افغانستان علیه جنایات حکومت اسلامی بود. حکومتی که با سیاستهای شوینستی و ضد انسانی خود علیه مردم افغانستان و علیه مهاجرین و شهروندان افغانستانی مقیم ایران، زندگی را بر همه آنان در ایران به جهمی تبدیل کرده است.

تظاهرات در کردستان عراق و حمله به کنسولگری رژیم و همچنین تظاهرات در مراکز شهرها در استکهلم، برلین، نیویورک، تورنتو و گوتنبرگ و فرانکفورت و در چهل شهر جهان، همه و همه انزجار عمیق همه ما را علیه جنایات حکومت اسلامی به دنیا نشان داد.

یک روز بعد از این تظاهراتهای بزرگ، کماکان خبر محکومیت به اعدام و احتمال اجرای حکم اعدام فعالین سیاسی را شنیدیم. به این معنا حکومت اسلامی میخواهد باز هم بکشد و ما باید آماده باشیم برای اعتراضات گسترده تر و برای تحت فشار گذاشتن دولتهای و نهادهای

بین المللی که جمهوری اسلامی را تحت فشار جدی تری قرار دهند.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همگان دعوت میکند که به اعدامها در ایران اعتراض کنند. این اعتراضات باید گسترده تر و متحدانه تر از قبل باشد. باید با صدای بلند در همه جا اعلام کنیم که سفارت خانه های رژیم جنایت اسلامی را ببندید و روابط دیپلماتیک خود با این دولت جنایتکار را قطع کنید.

اعدام و خونریزی یک سیاست همیشگی حکومت اسلامی است باید این ماشین کشتار و جنایت را در هم کوید. باید برای پیشروی در جنبش علیه حکومت و برای سرنگونی حکومت، در جنبش دفاع از زندانیان سیاسی و برای نجات جان محکومین به اعدام، علیه اعدامها بیش از پیش اعتراض کرد.

مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام ۳۱ ژانویه ۲۰۱۱

فضای بوی خون میدهد. ما با حرکات متحدانه و مسئولانه خود میتوانیم جلو خونریزی بیشتر را بگیریم.

من یک بار دیگر از همه شما عزیزان میخواهم که با اقدامات اعتراضی عاجل خود هم دولتها را در هر کشوری که هستید، وادار کنید که جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند و هم با اقدامات اعتراضی خیابانی خود توجه افکار عمومی دنیا را به این اوضاع خطرناک جلب کنید. صف متحد مخالفین جمهوری اسلامی یک مانع مهم در مقابل ماشین کشتار رژیم اسلامی است.

از نظر من وظیفه همه ما امروز این است که متحدانه و با احساس مسئولیت نگذاریم حکومت جنایتکار و خونریز اسلامی، بیش از این در خفا عزیزان ما را به قتل برساند.

مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام ۱ فوریه ۲۰۱۱

International Committee Against Stoning (<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution (<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com 0049-177-569-2413

## خانواده های زندانیان! آزادیخواهان!

میدانم که بسیاری از شما تمام وقت نگران عزیزان دربند هستید. اما شرایط فعلی توجه ویژه ای را میطلبد. تلاش کنید از اوضاع زندانها با خبر بشوید. کسانی که ممنوع الملاقات شده اند را دریابید و خواهان ملاقات با آنها بشوید. این روزها باید مرتب از سرنوشت زندانیان بویژه زندانیان سیاسی و محکومین به اعدام با خبر باشید. قطع ملاقات با این عزیزان نگرانی زیادی ایجاد کرده است. احتمال این میروید که جمهوری اسلامی دست به کشتار دیگری بزند. رژیم میخواهد با خون پاشیدن به جامعه چند صباح دیگر به عمر ننگین خود بیفزاید. اتحاد و همبستگی شما و تجمع در مقابل زندانها و خواستار ملاقات با عزیزان زندانی شدن و از نزدیک آنها را دیدن، اولین قدم برای نجات جان این عزیزان است.

مدافعین زندانیان سیاسی، مخالفین مجازات اعدام!

همه ما این روزها شاهد اقدامات شجاعانه مردم تونس و مصر و دیگر کشورهای عربی علیه

## هشدار اوضاع در ایران اضطراری است

به همه مردم آزادیخواه!

به همه سازمانها و نهادهای علیه اعدام!

وضعیت اضطراری در زندانها و احتمال اعدام تعداد بیشتری از زندانیان

دوستان گرامی

سیاسی قدیمی و دارای احکام طولانی مدت در زندان هستند. آنها حتی خبر اعدام زهرا بهرامی را نداشتند.

طبق این خبر، در زندان رجائی شهر تعدادی از افراد محکوم به اعدام را از بندهای قبلی برده و معلوم نیست کجا نگهداری میشوند. این اوضاع خطرناک همه زندانیان بویژه زندانیان در قرنطینه در زندانهای مختلف را بشدت نگران کرده است. زندانیان خارج از قرنطینه در یک وضعیت نگران کننده چشم به راه اخباری از همبندان خود هستند.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه شما دعوت میکند که این وضعیت اضطراری را با جوابی درخور پاسخ بدهیم. دست به دست هم بدهیم و در مورد این اوضاع اولاً

وسیعاً خبرسانی کنید و ثانیاً در یک حرکت اضطراری بزرگ شرکت کنید. زندانیان از همه ما انتظار دارند که متحدانه جلو وقوع یک فاجعه انسانی را بگیریم.

خطر اعدام دهها نفر از فعالین سیاسی را تهدید میکند. طبق تماس زندانیان سیاسی زندان رجائی شهر در شب ۳۱ ژانویه با کمیته بین المللی علیه اعدام، تعداد زیادی از زندانیان سیاسی که در قرنطینه نگهداری میشوند، خود را در خطر فوری اجرای حکم اعدام می بینند. طبق این تماس حدود شصت نفر از زندانیان رجائی شهر چند روز است در قرنطینه نگهداری میشوند. تماسشان را با دیگر زندانیان و خارج از زندان قطع کرده اند. تلفنها را از آنها گرفته و تماس با خانواده ها را ممنوع کرده اند. تعدادی از این شصت نفر احتیاج به دارو دارند و داروهای آنها را قطع کرده اند. تعدادی از آنها تحت معالجه بوده اند و اکنون از این امکان محروم شده اند. آنها در یک شرایط مخوف نگهداری میشوند و تعدادی از آنها را هم در تک سلولی نگهداری میکنند. همه این زندانیان با حکم اعدام دارند و یا از زندانیان





### فشار بر منصور اسانلو و سایر زندانیان سیاسی افزایش یافته است

انتقال ۶۲ زندانی سیاسی به سالن دوازده بند ۴ زندان گوهر دشت

جراحی چشم داشته است، نیاز به مراقبت ویژه و رسیدگی پزشکی دارد اما به او حتی اجازه داده نمیشود که جراحش وی را معاینه کند. و با وجودیکه اسانلو ۴ سال است در زندان است، تا کنون هیچ مرخصی ای به او داده نشده است. بعلاوه اینککه او عمل پیوند عروق قلب داشته و نیاز به رژیم غذایی ویژه دارد و باید تحت مراقبت و دور از استرس باشد. نگاهداری منصور اسانلو در چنین شرایطی در شرایط سختی بند ۴ سالن ده گوهر دشت، آسیبهای جسمی جبران ناپذیری میتواند داشته باشد.

منصور اسانلو بخاطر مبارزات کارگران شرکت واحد در سال ۸۴ و تلاش این کارگران برای ایجاد تشکشان سندیکای واحد در زندان است و او مجموعاً به ۶ سال زندان محکوم شده است. منصور اسانلو باید فوراً از زندان آزاد شود.

همراه با خانواده های زندانیان سیاسی به تشدید فشار بر زندانیان سیاسی در زندان گوهر دشت و وضعیت این ۶۲ نفر شدیداً اعتراض کنیم.

علاوه بر منصور اسانلو، رضا شهبانی، غلامرضا غلامحسینی، ابراهیم مددی سه تن دیگر از اعضای سندیکای واحد هستند که در زندان بسر میبرند. همچنین بهنام ابراهیم زاده فعال کارگران و فعال دفاع از حقوق کودک از ۲۲ خرداد تا کنون در زندان است و به او بیست سال حکم زندان و ۱۰ سال محرومیت از فعالیت اجتماعی داده شده است. همه کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند. پرونده های تشکیل شده برای فعالین کارگری و همه زندانیان سیاسی باید لغو شود.

۱۱ بهمن ۸۹، ۳۱ ژانویه ۲۰۱۱ کمپین برای آزادی کارگران زندانی

بنا بر گزارشهای منتشر شده، اخیراً جمهوری اسلامی ۶۲ نفر از زندانیان سیاسی زندان گوهر دشت (رجایی شهر) را از اندرزگاه سه به سالن دوازده بند چهار منتقل کرده و با نگاهداری آنها در شرایطی بسیار سخت و دشوار فشار بر آنان را شدت داده است. از جمله تماس های تلفنی و ملاقاتهای حضوری با خانواده ها قطع شده است. وسایل گرمای سالن را قطع کرده اند. زندانیان را در محلی که شیشه سلولها شکسته و زندانیان سیاسی از سرمای شدید رنج میبرند، قرار داده اند. آب گرم حمام ها قطع شده است و بسیار کثیف و غیر بهداشتی است. اعمال این فشارها شکنجه جسمی و روانی زندانیان سیاسی است.

منصور اسانلو، رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد یکی از این ۶۲ زندانی سیاسی است که در چنین شرایطی زیر شکنجه و فشار هر روزه قرار دارد. در این رابطه پروانه اسانلو همسر منصور اسانلو خبر از ملاقات با همسرش در روز ۸ بهمن داده و میگوید: "امروز در شرایط بسیار بدی و با معطلی بسیار زیاد که بی سابقه بود نهایتاً بعد از دوهفته موفق به ملاقات کوتاه کابینی با همسر شدم که البته ملاقات های حضوری قطع شده است و تلفن ها هم خراب بود و به سختی صدای همدیگر را می شنیدیم. مسئولین زندان هم در پاسخ به سوالات خانواده های زندانیان سیاسی معترض می گفتند که این موضوع از دست ما خارج شده و وضعیت آنها به ما ارتباطی ندارد و ارتباط زندانیان با بیرون بند هم قطع است. این امر از "بالا" دستور داده شده و ما مسئولیتی نداریم."

بنا بر گزارش پروانه اسانلو، از آنجا که منصور اسانلو تا کنون سه بار عمل

افزایش دستمزدهایشان شدند. این تشکلهای اعلام کردند که تعیین دستمزد باید با حضور و نظر نماینده های منتخب و واقعی کارگران تعیین بشود. و با اعلام اینکه تحمل زیر خط فقر برای آنها و خانواده هایشان غیر قابل تحمل است، بر تلاش و اتحاد و پیگیری مطالبات خود از طریق ایجاد تشکلهای مستقل و خاتمه دادن به وضعیت تاکید گذاشتند.

همه این شواهد نشانگر متفادات بودن شرایط امسال نسبت به همه سالها و وجود تحرکی در میان کارگران و کل جامعه برای افزایش دستمزدهاست. در واقع پژواک این تحرک و انعکاس آن است که امثال عیوضی را ناچار میکنند که برای کارگری نشان دادن خود رقم یک میلیون و سیصد و شصت هزار تومان را مطرح کند. عباس کشاورز معتمدی، عضو هیات مدیره کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار در قزوین نیز قبل از آن رقم حداقل یک میلیون تومان را بعنوان حداقل دستمزد کارگران در سال آتی پیشنهاد کرده بود. او حتی در دل همان کشاکش های درون حکومتی از اینکه در سال گذشته بانک مرکزی جمهوری اسلامی خط فقر را یک میلیون تومان اعلام کرده است، خبر داد.

مجموعه این اتفاقات نشانگر جدالی گسترده بر سر میزان حداقل دستمزدها در سال جاری است. کارگران میتوانند و باید از همین اظهارات پادوها و کاربدستان نهادهای حکومتی به نفع خود استفاده کنند و حکومت دزدان و چپاولگران حاکم را زیر فشار جدی قرار دهند. همین ارقام را باید با سطح کنونی دستمزدها مقایسه کرد و بر سرشان کوبید و گفت شرم کنید. در یک کلام در دل این شرایط باید صف خود را برای جنبشی سراسری با خواست افزایش فوری دستمزدها متحد کنیم و به حرکت در آوریم. اعلام کنیم که بیش از این زیر بار خط فقر نمیرویم. اعلام کنیم که اجازه نمیدهیم که بیش از این زندگی و معیشت ما مورد تهاجم قرار گیرد. همانطور که در نوشته های قبل نیز تاکید کرد وسیعاً به بیانیه ۶ تشکیل کارگری با خواست افزایش فوری دستمزدها بپیوندیم و همصدا با آنها اعلام داریم که حتی دو میلیون تومان حداقل دستمزد نیز کفاف زندگی ما را نمیکند و خواهان افزایش فوری دستمزدهایمان شویم.\*



### جنبش سراسری برای افزایش چندین برابر دستمزدها حیاتی است

شهبلا دانشفر

دیگری از سیاست ریاضت اقتصادی این حکومت، انجماد دستمزدهاست و این را از طرح تصمیمات پشت پرده شان تحت عنوان احتمالات، می توان فهمید. سیاستی که جمهوری اسلامی از همان آغاز به اجرا گذاشته شدن آنها هراس داشته و برایش کلی تدارک امنیتی را در دستور گذاشته است. از جمله تشدید فشار بر روی زندانیان سیاسی، تشدید فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری، شدت دادن به اعدام ها در همین راستاست.

به همین گفته "شورای عالی کار" نگاه کنیم. آنها از احتمال ۲۰ درصد افزایش دستمزدهای کنونی صحبت کرده اند، در حالی که جدا از نرخ صعودی قیمت اجناس در طول سال گذشته، در همین مدت که طرح هدفمند کردن یارانه هایشان، به اجرا گذاشته شده است، قیمت بسیاری از کالاها چندین برابر یعنی چند صد درصد افزایش یافته است. خودشان از افزایش هفت برابر قیمت بنزین، دوازده برابر شدن قیمت برق، سه و نیم برابر شدن قیمت آب، ۲۱ برابر شدن قیمت گازوئیل صحبت کرده اند. قیمت نان نیز البته تحت کنترل این حضرات حداقل سه برابر شده است یعنی سیصد در صد افزایش یافته است.

اما نکته اینجاست که امسال نه تنها کارگران بلکه کل جامعه در برابر این وضعیت به صف شده و همه جا صحبت از این است که همانطور که قیمت ها چندین برابر افزایش یافته است، مزد ما کارگران و حقوق و دریافتی ما مردم نیز باید چندین برابر افزایش یابد. همین دو هفته قبل ۶ تشکل کارگری، یعنی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، هیئت موسس بازگشایی سندیکای فلزکار و مکانیک، کانون مدافعان حقوق کارگر و انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه، بیانیه دادند و بر نکات مهمی در مورد مساله دستمزد تاکید کردند. آنها اعلام داشتند که حتی دو میلیون تومان نیز کفاف زندگی ما را نخواهد کرد و با اشاره به افزایش چندین برابر قیمت ها خواهان

با نزدیک شدن به اسفند ماه، موعد اعلام میزان حداقل دستمزدها برای سال آتی، جدال بر سر این موضوع شکل حادثی بخود گرفته است. در این هفته عیوضی بعنوان رئیس کمیته مزد جمهوری اسلامی اعلام داشت که دستمزد کمتر از یک میلیون و سیصد و پنجاه و نه هزار تومان زیر خط فقر خواهد بود. شورای عالی کار نیز که مرجع گمارده شده دولت برای تعیین دستمزد کارگران است، با گستاخی تمام اعلام داشت که به احتمال زیاد حداقل دستمزد ها ۲۰ درصد افزایش خواهد یافت. منظور او اینست که ۳۰۳ هزار تومان حداقل دستمزد فعلی کارگران نهایتاً به ۳۶۰ هزار تومان خواهد رسید. روشن است که انتظار افزایش دستمزد به حد بالای یک میلیون تومان توسط جمهوری اسلامی بدون فشار جنبش کارگری امری محال است. بنابراین سوال اینست که فاصله عظیم میان برآورد دستمزد توسط "کمیته مزد" و "شورای عالی کار" جمهوری اسلامی از چه چیز نشأت میگیرد؟ آیا واقعا کمیته مزد کذایی روی این رقم یک میلیون و سیصد هزار تومان ایستاده است یا موضوع چیز دیگری است؟

هرکس که کمی با نقش این نهادها و مساله دستمزد آشنا باشد و در سالهای مختلف آنرا دنبال کرده باشد میدانند که نقش شوراهای اسلامی هرسال به همین نحو انجام میشود که ابتدا اینها رقمی بالا را که با سطح توقعات کارگران به درجه ای همخوانی داشته باشد مطرح میکنند تا خود را نماینده کارگران در برابر کارفرمایان وانمود کنند و بتوانند اعتراضات کارگران در این زمینه را کنترل کنند. بعد از مدتی همین ها سرکله شان پیدا میشود و اعلام میکنند که بیش از یک سوم یا یک چهارم این رقم زورمان نرسید چون اقتصاد اجازه نمیدهد و امثال این مزخرفات. به این ترتیب از نظر خودشان نقش خود را که آرام کردن کارگران باشد به خوبی انجام داده اند و نهایتاً هم رقمی چندین برابر زیر خط فقر تصویب شده است. این کنه ماجراست. بطور واقعی در ادامه طرح هدفمند کردن یارانه ها، بخش



## ۲۹ ژانویه روز بزرگی علیه اعدام در ایران و در دفاع از زندانیان سیاسی

روز ۲۹ ژانویه در ۴۰ شهر جهان در دفاع از زندانیان سیاسی و علیه اعدام در ایران تظاهرات شد و چند هزار نفر در مجموع این تظاهرات شرکت کردند، جمهوری اسلامی را بعنوان یک حکومت جنایتکار و ضد انسان محکوم نمودند و خواهان لغو مجازات اعدام، لغو احکام اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی در ایران شدند. این تظاهرات ها توسط حزب کمونیست کارگری و تعداد قابل توجهی از سازمانها، نهادها و فعالین سیاسی فراخوان داده شده بود.

جمهوری اسلامی برچیده باید گردد به زبانهای مختلف فریاد زده شد. تظاهرات های روز شنبه ۲۹ ژانویه، در تعدادی از رسانه های فارسی زبان و غیر فارسی زبان منعکس شد، با تعدادی از سازمان دهندگان تظاهرات ها مصاحبه شد، هزاران نسخه از اطلاعاتی ها و قطعنامه ای که از طرف کمیته بین المللی علیه اعدام ویژه روز ۲۹ ژانویه تهیه شده بود منتشر گردید و مردم زیادی با امضای قطعنامه و یا پرچم نوشته ها و یا در دست گرفتن پوسترها و تصاویر جانباختگان و زندانیان سیاسی، با مردم ایران همراهی کردند و حکومت منفور اسلامی را محکوم کردند.

در سوئد تعدادی از احزاب پارلمانی و نیز عفو بین الملل به تظاهرات پیام فرستادند و یا در تظاهرات سخنرانی کردند. در تورنتو همزمان تظاهرات بزرگی در دفاع از انقلاب مردم مصر جریان داشت. تظاهرات کنندگان با شعارهایی علیه دیکتاتورها و در حمایت از مبارزه مردم مصر همبستگی خود را با آنها نشان دادند و متقابلاً تعدادی از شرکت کنندگان در تظاهرات در همبستگی با مردم مصر به صف تظاهرات علیه جمهوری اسلامی پیوستند و همبستگی خود را با مردم ایران علیه جمهوری اسلامی نشان دادند.

در افغانستان راهپیمائی ها و تظاهرات های باشکوهی در کابل و هرات و مزار شریف و جلال آباد به فراخوان حزب همبستگی افغانستان برگزار شد. پوسترهای زیادی از زندانیان سیاسی جانباخته و یا محکوم به اعدام

در ایران و همینطور پلاکاردها و بنرهای زیادی در محکومیت جمهوری اسلامی و با شعارهای مرگ بر خامنه ای و احمدی نژاد و در همبستگی با مردم ایران در دست زنان و مردان تظاهرات کننده بود و حضور چشمگیر جوانان و بویژه دختران در صف مقدم این تظاهرات ها بسیار باشکوه بود. تعدادی پوستر و پلاکاردهای بزرگ از کمیته بین المللی علیه اعدام و کمپین آزادی کارگران زندانی در ایران نیز در این تظاهرات ها به چشم میخورد. تظاهرات کنندگان آدمک های احمدی نژاد و خامنه ای را در پایان تظاهرات ها به آتش کشیدند و جمهوری اسلامی را بعنوان یک رژیم ددمنش و رژیم تازیانه و دار محکوم کردند. جمهوری اسلامی خواهان دستگیری تظاهرات کنندگان افغانستان شد! البته بی بی سی فارسی نیز این تظاهرات ها را تحریف کرد و با قومی نشان دادن و ضد ایرانی بودن آنها نشان داد که ذره ای شرافت ژورنالیستی ندارد.

همزمان در شهرهای سلیمانیه، هولیر و دیانا در کردستان عراق نیز میتینگ ها و تظاهرات هایی برپا شد و در اربیل تظاهرات کنندگان خشمگین به کنسولگری جمهوری اسلامی حمله کردند و شیشه های آنرا شکستند. در پایان این تظاهرات بیانیه ای از سوی کمیته برگزار کننده این تظاهرات خطاب به افکار عمومی جهان به منظور مبارزه علیه اعدام ها در ایران صادر شد.

یکی از خواست های مهم شرکت کنندگان در تظاهرات های روز ۲۹ ژانویه، قطع رابطه سیاسی و دیپلماتیک

۴- از همه دولتها میخواهیم

دولت ها با جمهوری اسلامی، بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی و اخراج این حکومت از سازمان ملل و سازمان جهانی کار و کلیه نهادهای بین المللی بود. تعدادی از سخنرانان هرنوع سکوت، همکاری و مماشات دولت ها در مقابل جنایات جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم کردند و اعلام کردند که مردم ایران سکوت امروز دولت ها و سازمان ملل را در مقابل جنایات جمهوری اسلامی نخواهند بخشید

حزب کمونیست کارگری به شرکت کنندگان در این تظاهرات ها درود میفرستد و روز ۲۹ ژانویه را روز موفقی در مبارزه علیه اعدام و در دفاع از زندانیان سیاسی میداند که میتواند سرآغاز شکل دادن به مبارزه ای قدرتمندتر باشد.

آزادی، برابری، حکومت کارگری مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد جمهوری سوسیالیستی تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۳۰ ژانویه ۲۰۱۱

### قطعنامه در دفاع از زندانیان سیاسی، علیه اعدام در ایران

۱- ما اعدام را عملی جنایتکارانه و ضدانسانی میدانیم و حکومت اعدام و سنگسار جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم میکنیم. مجازات اعدام و کلیه احکام اعدام باید فوراً ملغی گردد.

۲- تمامی زندانیان سیاسی، عقیدتی باید بدون قید و شرط و فوراً از زندان های جمهوری اسلامی آزاد شوند. آزادی بیان و عقیده و اعتراض و تجمع و تشکل و اعتصاب و آزادی داشتن و نداشتن مذهب و آزادی پوشش حق مسلم همه مردم است. ما خواهان انزوای سیاسی و دیپلماتیک کامل جمهوری اسلامی، بسته شدن سفارتخانه های آن و اخراج آن از سازمان ملل، سازمان جهانی کار و کلیه نهادهای بین المللی هستیم.

۳- تمامی زندانیان سیاسی، عقیدتی باید بدون قید و شرط و فوراً از زندان های جمهوری اسلامی آزاد شوند.

۴- از همه دولتها میخواهیم

۵- ما از مبارزات بحق مردم ایران قاطعانه پشتیبانی میکنیم، با آنها اعلام همبستگی میکنیم و همه مردم انسان دوست در سراسر جهان را به همبستگی با مردم ایران برای سرنگونی حکومت اسلامی فرامیخوانیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام برای تظاهرات های ۲۹ ژانویه

### تظاهرات در همبستگی با روز بین المللی اعتراض علیه اعدام و بر ای آزادی زندانیان سیاسی در کابل، هرات، مزار شریف

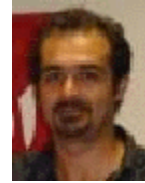




**تصاویری از تظاهرات ۲۹ ژانویه (۹ بهمن) روز جهانی اعتراض علیه اعدام و برای آزادی زندانیان سیاسی در ۴۰ شهر جهان**



لاریجانی را از انقلابی که با تمام هیبت و عظمت خودش در راه است، از کمکی که اینترنت و سایر ابزارهای اطلاعاتی در اختیار جوانان و مردم انقلابی قرار داده است و نفس همین دست حکومتها را در سرکوب و کشتار بیشتر بسته است و از همه مهم تر، ترس و وحشت او را از اینکه انقلابات خاورمیانه، بالاخره آن تأثیر و نتیجه چپ، مارکسیستی و رادیکال خودشان را در ایران نشان دهند، بوضوح می توان از خلال این صحبت ها تشخیص داد. دیگر حتی خود مقامات جمهوری اسلامی هم این مزخرفات را باور نمی کنند. هیچ چیز و حتی این امکان که انقلابات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم کشورهای خاورمیانه شکست بخورد و از جانب نیروهای واپس گرای اسلامی به یغما برده شود هم، هیچ حقانیتی به این گفته نمی دهد که این انقلابات با هدف برقراری حکومت های اسلامی شروع شده اند. این دیگر حتی دورترین پیش بینی در ذهن تحلیلگران خود بورژوازی جهانی است که مردمی که برای آزادی و رهایی زندانیان سیاسی و نیز برای معیشت و منزلت و رفع بیکاری به خیابانها آمده اند و مردمی که سی سال دخالت مذهب در حکومت و دزدی ها و کشتارهایش را در ایران جمهوری اسلامی دیده اند، بخواهند بار دیگر نیروهای اسلامی را بر خود مستولی کنند. این چرنیبات فقط از ذهن منجمد و اسلامی لاریجانی و سایر مقامات و دست اندرکاران جمهوری اسلامی درمی آید. خزعبلاتی که باورشان برای تمام مردم جهان مشکل است و بااینحال، ترس و وحشت حاکمین مذهبی ایران را نشان می دهند از انقلابی که دیگر خودشان هم دارند اعتراض می کنند که روزیروز چپ تر، رادیکال تر و ... به گفته لاریجانی - مارکسیستی تر شده است! و بطور واقعی هم اینچنین است. انقلاب مردم ایران با خواسته ها و مطالبات انسانی و روشنی که دارد و با تجربه ای که از سی سال کشتار و دزدی حکومت مذهبی در قدرت کسب کرده است و نیز با انتخاب آن آلترناتیو چپ و رادیکال خود و پرهیز از اشتباهات مردم تونس و مصر، می تواند آن ضربه کاری را بر پیکر گندیده دیکتاتوری جمهوری اسلامی وارد آورده و الگو و سرمشقی باشد برای تمام انقلاباتی که چهره جهان را دگرگون و انسانی خواهند کرد.\*



## انقلابات در منطقه و وحشت حاکمین مذهبی ایران

هادی وافی

انقلاب در تونس، مصر و همچنین اعتراضات و تظاهرات توده ای در برخی دیگر کشورهای عرب زبان منطقه خاورمیانه، تا همینجا چهره سیاسی جهان و معادلات حاکم بر آن را تغییر داده و افکار عمومی و سیاستمداران جهان از ابعاد و جهات مختلفی و البته متناسب با پایگاه و منافع طبقاتی خودشان، به تحلیل و بررسی این انقلابات پرداخته اند. من در این نوشته کوتاه، همینقدر اشاره می کنم که پرسشهایی از این دست که برخورد غرب و آمریکا با این انقلابات چیست و اساسا آمریکا چه منافعی در مصر دارد که فقط طی سال گذشته یک میلیارد و سیصد میلیون دلار به دولت حسنی مبارک کمک مالی کرده است و چنین کمکی هم سی سال است که پرداخت می شود، اینکه تأثیر این انقلابات در کشورهای خاورمیانه و بخصوص ایران چه خواهد بود و خلاصه اینکه واقعا چه تحول و تغییری در خاورمیانه در حال شکل گیری است، همه جزو مقولاتی هستند که بی گمان پاسخگویی عملی به آنها تعیین خواهد کرد که مجموعه این تحولات رو به کدام سمت دارند! این مبارزه و تلاش، بی گمان و بویژه برای آینده قطب سوم نزاعهای کنونی جهانی یعنی آن نیرویی که نه طرفدار منافع غرب و دموکراسی آمریکایی برای تعیین تکلیف و تأثیرگذاری بر روند انقلابی کشورهای خاورمیانه است و نه مدافع اسلام سیاسی و دست درازی عقب مانده ترین و وحشیانه ترین قوانین به زندگی انسانهاست، بسیار تعیین کننده خواهد بود.

اما رهبران و مقامات جمهوری اسلامی به این سؤال که واقعا در خاورمیانه چه می گذرد، پاسخ هایی می دهند که هم می توان در خلال آن پاسخها ترس و وحشتشان را از قریب الوقوع بودن انقلابی دید که بسیار بیشتر از انقلابات کشورهای عربی شروع شده و بااینحال، ناتمام مانده، هنوز پیروز نشده اما شکست هم نخورده است و تمام جهانیان و مردمان شریف دنیا بی صبرانه منتظرش هستند و هم تلاشی مذبوحانه توأم با شیبادی و شارلاتان بازی را که انجام می دهند تا بخوبیال خودشان توانسته باشند با مصادره به مطلوب کردن این انقلابات، برای خودشان چند صباحی

بیشتر عمر بخردند و افکار عمومی هر آن مترصد و در کمین انقلاب نشسته داخلی را تحریف کنند. علی لاریجانی، رئیس مجلس رژیم اسلامی از جمله همین دزدان و آدمکشان است که در کنار برخی دیگر از مقامات رژیم، بالاخره با ترس و احتیاط خواسته اند موضعی در قبال این تحولات اتخاذ کنند. علی لاریجانی، رئیس و نماینده سابق و ده ساله خامنه ای در صدا و سیما و رئیس کنونی مجلس، بنا بر اخبار و اسناد افشا شده، صدها میلیون دلار پول در بانک ها و مؤسسات خارجی انباشته است. او دقیقاً برای حفاظت از همین ثروتی که بالا کشیده است و هم برای هرچه بیشتر و بیشتر انباشتنش، در طول سی سال گذشته هیچ چیز از چاپلوسی، کثافتکاری و سینه چاکی برای دفاع از دستگاه غارت و جنایت جمهوری اسلامی کوتاهی نکرده است و اینبار در کنار برخی حامیان احمدی نژاد در مجلس و نیز علی اکبر صالحی، دیپلماتی که به تازگی به وزارت امور خارجه گماشته شده اما از سفر به ۲۸ کشور اروپایی محروم است، به میدان آمده است تا بگوید انقلابات در خاورمیانه، ادامه انقلاب اسلامی است و اینکه جهان باید خودش را برای "خاورمیانه اسلامی" آماده کند! لاریجانی البته خودش را به نفهمی می زند و بی آنکه به ترس و وحشتی اشاره کند که سر تا پای مقامات رژیم اسلامی را در استفاده جوانان ایران از اینترنت فرا گرفته است، می خواهد غیرمستقیم هم هشدار دهد که "جوانان امروز از مسائل سیاسی مطلع هستند و با قطع شبکه ها و اینترنت دردی دوا نمی شود!" رئیس مجلس رژیم اسلامی ضمن همین صحبت هایش که روز پنجشنبه در مصالای شهر بابلر داشته، اضافه می کند که "آنچه در تونس، مصر و کشورهای خاورمیانه دیده می شود، یک نوع بیداری اسلامی است" و اینکه "برخی رسانه های خارجی برای اینکه تلقی اشتباه بوجود آورند نمادهای مارکسیستی را جا انداخته اند برای اینکه جریانات بیداری منطقه را متهم به گرایش مارکسیستی کنند!"

دستپاچگی و سراسیمگی

## زنده باد انقلاب در مصر...

خیابان آمده است تا ارگانهای دولتی و تلویزیون را حفظ کند. این یک انقلاب است که هدف سرنگونی را آشکارا در دستور گذاشته است و شعار اصلی اش سرنگون باد رژیم مبارک است. این انقلاب کارگران و مردم فقیر مصر، انقلاب جوانان زن و مردی است که خواهان آزادی های سیاسی، رفاه و حقوق و کرامت انسانی خود میباشند. تظاهرات امروز نشان داد که نیروهای چون اخوان المسلمین و البرادعی لاقال در شرایط حاضر میداندار نیستند، هرچند تلاش میکنند ایفای نقش کنند و انقلاب را مهار نمایند. وقایع امروز دول غربی را نیز به هراس انداخته و لحن شان را علیه مبارک تند کرده

## دولت هلند روابط خود را با رژیم اسلامی به حال تعلیق در آورد کلیه روابط با جمهوری اسلامی باید کاملاً قطع شود

دولت هلند بدنبال اعدام جنایتکارانه زهرا بهرامی در سحرگاه روز شنبه بیست و نهم ژانویه، امروز کلیه روابط خود را با جمهوری اسلامی به حالت تعلیق در آورد. وزارت خارجه دولت هلند اعلام کرد که اعدام زهرا یک عمل ننگ آور توسط یک رژیم بربر است. زهرا بهرامی چندین ماه است توسط جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده بود و خطر اعدام هر لحظه او را تهدید میکرد و دولت هلند کاملاً از این مساله مطلع بود اما متاسفانه از او بعنوان یک انسان و بعنوان یک شهروند هلندی دفاع چندانی نکرد و عملاً از خود رفع مسئولیت کرد. دولت هلند قبل از اینکه زهرا بهرامی اعدام

آزادیخواه مصر میدانند. انقلاب نیاید هیچ فرصتی به ارتجاع اسلامی برای قدرت گیری بدهد و نباید به جریانهای که میخواهند انقلاب را به سازش با نظام حاکم و عملاً به شکست بشکافند، تمکین کنند. ما خواهان پیشروی و پیروزی همه جانبه انقلاب کارگران و مردم محروم در مصر و تونس هستیم و پیروزی آنها پیروزی همه کارگران و محرومان و مردم جهان و از جمله مردم ایران خواهد بود.

زنده باد انقلاب در مصر، ایران و تونس  
زنده باد سوسیالیسم  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۲۸ ژانویه ۲۰۱۱، ۸ بهمن ۱۳۸۹

دیگر را کشیده و اعلام کرده است. اعدام زهرا بهرامی شاید دولت هلند و احزاب حاکم در این کشور را، متوجه شکست سیاست دیپلماتیک خود با جمهوری اسلامی کرده باشد و از این رهگذر سیاست متفاوتی را در رابطه جمهوری اسلامی در دستور کار بگذارند.

مردم ایران در تلاش برای سرنگونی جمهوری اسلامی هستند. ما از دولت هلند می خواهیم روابط سیاسی و دیپلماتیک خود را با این رژیم جنایتکار قطع کند و سفارتش را برای همیشه تعطیل کند. این خواست مردم ایران از همه دولتهای اروپائی و غیر اروپائی است. تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران- واحد هلند  
۲۹ ژانویه ۲۰۱۱

## قتل زهرا بهرامی، سند محکومیت حکومتی است که باید فوراً سرنگون شود!

Zahra Bahrami  
in danger of being executed

سحرگاه روز ۲۹ ژانویه، خبر قتل زهرا بهرامی را رسانه های جیره خوار حکومتی پخش کردند. این خبری است که امروز مردم ایران باید با شنیدن آن، زندگی را آغاز کنند. خبر جنایت بیرحمانه و وحشیانه حکومت اسلامی درست در روزی که در دنیا

هزاران نفر قرار است علیه اعدامها در ایران به خیابان بروند، باید جرقه ای باشد که آغاز یک حرکت عظیم اجتماعی علیه کلیت این حکومت و برای سرنگونی حکومت فاشیست اسلامی را نوید دهد.

امروز در کنار خبر قتل زهرا بهرامی که جرمش فقط این بود که برای شرکت در حرکت میلیونی مردم ایران علیه حکومت اسلامی به ایران بازگشته بود و با حضور فعالانه در تظاهراتها، از این حرکت جوانان علیه حکومت دیکتاتور اسلامی به رسانه های بین المللی گزارش میداد، اخبار انقلاب مردم در تونس و مصر و اردن ... را می شنویم و شروع یک دوره جدید در سرنگون کردن بساط ظلم و فساد و جنایت حکومتها را شاهد هستیم.

مردم ایران با تجربه مبارزات یکساله اخیر و با دیدن جنایات و قساوتهای غیر قابل تصور حاکمین اسلامی، با تمام وجود پی میبرند که راهی نیست جز انقلاب و ویران کردن این بساط جنایت مقدس. کمیته بین المللی علیه اعدام، قتل زهرا بهرامی

مردم ایران تحریک میباشند که با تمام وجود پی میبرند که راهی نیست جز انقلاب و ویران کردن این بساط جنایت مقدس. کمیته بین المللی علیه اعدام، قتل زهرا بهرامی

## ملاقات هیئت کمیته بین المللی علیه اعدام و کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی با مسئولین

## کمیسیون حقوق بشر پارلمان اروپا وضعیت زندانیان سیاسی

مقامات حکومت اسلامی به اروپا را ممنوع کرده، سفارتخانه هایش را ببندد و این حکومت را به عنوان یک حکومت جنایتکار و قاتل مردم ایران، تحت فشار کامل سیاسی و دیپلماتیک قرار دهد. مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام شویا محبوبی سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی  
۲۸ ژانویه ۲۰۱۱

میان گذاشتند. مسئولین کمیسیون حقوق بشر در پاسخ به این خواست، به پیچیدگی اجرای این سیاست در عمل اشاره کردند اما در عین حال علاقمندی خود را برای اقدامات سیاسی تندتر علیه حکومت اسلامی اعلام کردند. مسئولین حقوق بشر اتحادیه اروپا در عین حال بطور مشخص از مسئولین کمیته علیه اعدام و کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، بسنده کردن اتحادیه اروپا به صرف بیانیه علیه جمهوری اسلامی را مورد انتقاد تند خود قرار دادند و انتظار مردم ایران از نهادهای بین المللی از جمله اتحادیه اروپا برای انزوای سیاسی کامل جمهوری اسلامی و فشار به جمهوری اسلامی برای پایان دادن به اعدام ها و آزادی زندانیان سیاسی را با آنها در

روز پنجشنبه ۲۷ ژانویه مینا احدی و شیوا محبوبی با سه نفر از مسئولین کمیسیون حقوق بشر اتحادیه اروپا، هایدی هوتالا، کونسلیاکو گونکاله وس و اوا هایکیلیا، در مقر پارلمان اروپا ملاقات کردند. مینا احدی و شیوا محبوبی در این نشست درمورد گسترش اعدام در ایران و اینکه جمهوری اسلامی در هفته های گذشته هر هشت ساعت یک نفر را اعدام کرده است و بطور مشخص درمورد اعدام فعالین سیاسی و خطر اجرای حکم اعدام تعداد قابل توجهی از فعالین سیاسی گزارشی یه مسئولین اتحادیه اروپا ارائه دادند و

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی

بدل میشود!



## وعده تشکیل شورای اسلامی در ایران خودرو انزجار آور است

گفته میشود تعداد جانباختگان فاجعه ایران خودرو به ۱۵ نفر رسیده است



مدیران را نیز به همین دلیل اخراج کرده ام. این توضیحات با اعتراض جمعی کارگران مواجه شد. بنا بر خبر طی نشست نمایندگان منتخب کارگران با نجم الدین، وی قول داد تا از این پس روز جمعه، روز کاری نباشد. در پاسخ به خواست تشکیل کارگران او اعلام کرد که شخصی بنام باقری را مسئول پیگیری امر تشکیل کارگران کار کرده و ظرف شش ماه آینده شورای اسلامی در این کارخانه تشکیل میشود. پاسخ کارگران به این تصمیمات و توضیحات مسخره شعار دادن برای استعفاي نجم الدین بود. کارگران ایران خودرو که در اعتصاب بودند و در محوطه کارخانه تجمع کرده بودند شعار میدادند "خواسته اصلی ما اخراج نجم الدین" و "یا نجم الدین برو گمشو". پس از تجمع این روز کارگران ایران خودرو عازم گورستان بهشت زهرا شدند و حدود ساعت ۱۱ صبح با حضور بر سر قبر همکاران خود یاد آنان را گرامی داشتند.

۲- وعده تشکیل شورای اسلامی در کارخانه ایران خودرو فقط نفرت آور است و هیچ ربطی به شکل کارگری ندارد بلکه ضد تشکل واقعی کارگران است. کارگران در سراسر ایران خواهان انحلال شوراهای اسلامی هستند. تشکل کارگران مجمع عمومی و شوراهای واقعی کارگران است که باید بر شرایط کار و تمام امور مربوط به کارگران نظارت داشته باشد و تصمیمات آن لازم الاجرا باشد. کارگران باید مجمع عمومی خود را با شرکت کارگران تمام شیفتها تشکیل دهند، نمایندگان خود را انتخاب کنند و دست بکار تشکل مستقل خود شوند. باید تشکل منظم مجمع عمومی را به مدیریت تحمیل کرد. برای تشکل نباید منتظر اجازه مدیریت و مقامات حکومتی شد. کارگران خود در مورد نقش و روال کار و شکل تشکل خود باید تصمیم بگیرند و آنرا با قدرت حمایت هزاران کارگر کارخانه به آنها تحمیل کنند. باید همین امروز برای مقابله با چنین فجایعی مجمع عمومی کارگران کل کارخانه را فوراً تشکیل داد و نمایندگان کارگران را انتخاب کرد.

۳- کار اجباری در روزهای تعطیل و اضافه کاری اجباری باید فوراً لغو شود. این سیاست يك سیاست شبه بر دگی است که در هیچ کشوری که

بنا بر خبر منتشر شده از سوی جمعی از کارگران ایران خودرو، روز جمعه ۸ بهمن یکی دیگر از کارگران این کارخانه که در بیمارستان آتیه در تهران بستری بود، جان باخت. جمهوری جنایتکاران اسلامی حتی اسامی جانباختگان را اعلام نکرده و تعداد دقیق تلفات این فاجعه هولناک را نیز به کارگران گزارش نمیدهد. گفته میشود که تاکنون نزدیک ۱۵ نفر از کارگران ایران خودرو در اثر این رویداد جان باخته اند و تعداد بیشتری مجروح شده اند که وضعیت جسمی آنها دقیقاً روشن نیست. بنا بر خبر دیگری که از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر شده است، صبح روز پنجشنبه ۷ بهمن بیش از سه هزار نفر از کارگران شیفت صبح ایران خودرو از ساعت ۸ صبح در محوطه کتابخانه (انجمن اسلامی) این کارخانه دست به تجمع زدند. با شروع این تجمع که کارگران اغلب قسمتها در آن شرکت داشتند، مامورین حراست تلاش کردند کارگران را پراکنده کنند اما کارگران یکصد اعلام کردند تا مدیر عامل کارخانه در میانشان حاضر نشود و به خواستههایشان پاسخ ندهد به تجمع خود ادامه میدهند. بنا بر این گزارش نجم الدین مدیر ایران خودرو ابتدا به بهانه مریض بودن از آمدن به میان کارگران خشمگین خودداری کرد، اما با ادامه فشار و اعتراض کارگران بناچار در میان آنان حاضر شد و شروع به وعده و بهانه آوردن و توضیحات مسخره کرد تا کارگران آرام سازد. کارگران ایران خودرو که خواستههای خود را در ۲۷ بند تنظیم کرده بودند آنها را مطرح کردند و بر اجرای آنها پافشاری نمودند. کارگران کار در روز تعطیل را یکی از عوامل مهم جان باختن همکاران خود دانسته و به آن اعتراض کرده و خواهان لغو کار اجباری در روز تعطیل شدند. نجم الدین در پاسخ به این خواست کارگران اعلام کرد که کار اجباری در روزهای جمعه سیاست کارخانه نبوده و مربوط به مسئولیت مدیران قسمتها است و من یکی از

کارگران نیست اما فوری ترین آنهاست و اکنون این کاملاً امکان پذیر است که همه ۳۰ هزار کارگر ایران خودرو را برای پشتیبانی قاطع از آنها به حرکت در آورد. گرامی باد یاد کارگران جانباخته ایران خودرو آزادی برابری حکومت کارگری زنده باد سوسیالیسم حزب کمونیست کارگری ایران ۹ بهمن ۱۳۸۹ - ۲۹ ژانویه ۲۰۱۱

ابتدایی ترین حقوق و معیارهای کارگری و انسانی در آن رعایت شود پابرجا نمانده است. هیچ کارگری نباید يك روز به این سیاست تن دهد. ۴- حراست و نیروهای انتظامی باید باطشان را از کارخانه جمع کنند. کارخانه پادگان نیست. کارگران باید بتوانند بدون نگرانی از سرکوبگری و جاسوسی و توطئه گری حراستی ها و نیروهای مزدور حکومتی کار کنند. اینها طبعاً همه خواستههای

## بی بی سی فارسی باید از مردم افغانستان و ایران عذر خواهی کند

برای دامن زدن به نفرت ملی و قومی است. بنا بر هرگونه موازین حرفه ای و ذره ای شرافت اینگونه انعکاس اخبار نادرست و محکوم است. بی بی سی فارسی باید اینگونه تحریفات را متوقف کند. کمترین کاری که میتواند بکند این است که رسماً و آشکاراً در همان صفحه و در حدی که "خبر" مذکور را منعکس کرده آنرا تصحیح کنند و از مردم افغانستان و ایران عذر خواهی کنند. کمیته بین المللی علیه اعدام ۳۰ ژانویه ۲۰۱۱، ۱۰ بهمن ۱۳۸۹

بی بی سی فارسی اعتراضات و تظاهرات باشکوه مردم افغانستان در ۲۹ ژانویه ۲۰۱۱ بر علیه اعدام زندانیان سیاسی در ایران و بر علیه دولت سرکوبگر و سفاک جمهوری اسلامی را بعنوان "تظاهرات ضد ایرانی" منعکس کرده است. سواي دیگر موارد نادقیق و تحریف در خبر (مثل معرفی تظاهرات افغانستانی ها به عنوان تظاهراتی صرفاً در اعتراض به اعدام افغانی ها و همینطور سکوت کامل درمورد تظاهرات در چهل شهر جهان) این يك تحریف زشت و آشکار واقعیت است. این تبلیغاتی مضر و مخرب

## انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدیر: کاظم نیکخواه

kazem.nikkah@gmail.com

دستیار سردیر: شهلا دانشفر

هماهنگ کننده صفحه بازتاب: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!